

بررسی مسئولیت دولت‌های حامی تروریسم تکفیری از منظر حقوق بین الملل

عباس تقوایی^۱، یوسف متولی پور^۲

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ایران

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مسئولیت دولت‌های حامی تروریسم تکفیری از منظر حقوق بین الملل به عنوان یکی از چالش‌های روز منطقه و بین الملل می‌پردازد، و در مقام پاسخ به این سؤال است که، مسئولیت دولتهای حامی تروریسم تکفیری در چارچوب قواعد ماهوی حقوق بین الملل چه وجهی دارد؟ با عنایت به این که این اقدامات در منظر سازمان های بین المللی و حامی حقوق بشر در حال اتفاق است؛ تحقیق پیش رو از دریچه اسناد و مقررات بین المللی، موضوع را مورد بررسی قرار داده است، ضمن بررسی و انطباق اقدامات تکفیری ها با اسناد بین المللی، با معرفی برخی از ظرفیت های بین المللی و ارائه پیشنهادات و راه کارهای عملی از گسترش این جریان انحرافی جلوگیری نماید. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و در ضمن این تحقیق همانند غالب تألیفات حقوقی روش کتابخانه ای است. در نهایت به این نتیجه گیری رسیده ایم که قواعد ماهوی حقوق بین الملل از سوی دولت های حامی تروریسم تکفیری نقض شده است و در قبال کشتار مردم و تخریب زیر بناها و... کشور مورد تعرض، بایستی جبران خسارت نموده و ضمن پاسخگو بودن، تحت تعقیب و مجازات در مراجع صالحه قانونی و قضایی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت دولت ها، تروریسم تکفیری، تکفیر، حقوق بین الملل

۱. مقدمه

پس از اشغال افغانستان به وسیله قوای سرخ شوروی سابق، اتفاق برخی از کشورها (آمریکا، انگلیس، ایتالیا و...) بر آن شد که برای خروج شوروی از افغانستان، از روحیه جهادی جوانان مسلمان در منطقه استفاده شود که به دلیل فقدان رهبری آگاه از موازین و شرایط جهاد؛ تلاش پیکارگران به گونه دیگر تغییر یافت و برخی از آنان با تأثیرپذیری از افکار وهابیان تندرو، علاوه بر کافر خواندن غربیان و دولت های حامی، به تکفیر برخی از دولت و ملت های اسلامی پرداختند. شوربختانه آغاز شکل گیری اندیشه جهاد علیه کفر، با حمله به کشورهای مبارز در برابر رژیم صهیونیستی، انجام شد و اندیشه آزادی قدس شریف (اولین قبله مسلمانان)؛ به نابود کردن زیرساخت های کشورهای اسلامی همچون سوریه و عراق و... تغییر یافت.

«تروریسم به کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف یا طبقات معین و یا همه مردم کشور را گفته اند»^۱. واژه ترور که واژه ای فرانسوی معادل واژه عربی ارباب از مصدر رهب به معنای «ترس و ترساندن، ایجاد وحشت فوق العاده است» که در زبان انگلیسی اصل کلمه **terror** به فعل **ters** بر می گردد که آن نیز به معنای ترس و ترساندن است. بیشتر مشتقات این واژه مدل همین معنا و مفهوم به کار برده می شوند و ترور و تروریسم معناهای مشابهی را به ذهن متبادر می سازد.^۲

ایمان و کفر دو مفهوم متضادند که از اندیشه یکی، دیگری نیز تداعی می شود؛ این نوع حالت را در فلسفه تضایف می نامند. «واژه ایمان به معنای تصدیق و باور کردن، و لفظ کفر به معنای ستر و احیاناً به معنای انکار است»^۳.

«در زمان معاصر، گروهی تند رو و ناآگاه از اصول و مبانی آیین محمدی، اسلام و ایمان را گویی برای خود احتکار کرده و از میان همه مسلمانان، فقط گروهی اندکی را مؤمن می دانند و دیگران را کافر و مهدورالدم می شمرند. ریشه این نوع تکفیر به عصر ابن تیمیه (ت ۷۲۸ ق.) و پس از وی به وهابیان تندرو بر می گردد و شدت عمل گروه دوم بیش از فرد نخستین است. تکفیر پیشینیان غالباً قلمی و لسانی بوده، اما تکفیر از دوره وهابیان تندرو رنگ خشونت به خود گرفته و پیروانشان پیوسته به قری و قصبات و آبادی های اطراف «نجد» حمله می بردند و، آنچه می توانستند غارت می کردند و از این طریق بر قدرت مالی خود می افزودند»^۴.

«اکنون تروریسم به عنوان بحث روز، مشغله ذهنی و نگرانی اصلی ملت ها و امته در سطوح مختلف آن شده است و در مقابل، توانمندی های سازمان یافته گروه های تروریستی در جهان دائم در حال رشد و گسترده جنایات آنان به طور کلی رو به افزایش گذاشته است و باید گفت این سازمان های تروریستی آنقدر

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص ۱۵۰.

۲. توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، انتشارات سوره مهر، ص ۱۳.

۳. فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳). مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی تکفیری، انتشارات اهل بیت، ص ۱۱.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر همان، ص ۱۲.

خطرناک هستند که در هیچ دوره ای از دوره های تاریخ با چنین وضعی دیده نشده اند. چرا که تروریسم جدید در حال حاضر، درنده خوتر از گذشته و بالاترین آمار مراتب جرم و جنایت را داراست. به حق می توان عصر حاضر را، عصر ترس و وحشت نامید، چه در سطوح افراد و چه در سطح ملتها، ضمن اینکه همه ادیان الهی پدیده خشونت و تجاوز را به حقوق دیگران را محکوم می کنند، بلکه در پی آن هستند که منزلت انسان را به بالاترین مراتبی که خداوند متعال برای او در نظر گرفته است، برسانند تا به سوی ایمان و ارزش های ارجمند و تحقق عدالت رهنمون شوند و این رهگذر شأن و مکانت جوامع انسانی به جایگاه حقیقی خود برسد.^۵

«در بسیاری از موارد، دولت های بسیاری که با یکدیگر مشکلات سیاسی و امنیتی دارند برای تحمل آراء خود، دست اندازی در مرزهای یکدیگر می پردازند. بهترین وسیله برای دخالت سازماندهی یا حمایت از گروه های مخالف، تجزیه طلب و تروریست در دولت مقابل می پردازند. این اقدام یکی از اصلی ترین نقطه های هم پیوندی تروریسم دولتی و سازمان یافته است».^۶

«موضوع تروریسم ساده نیست و مقداری پیچیدگی دارد، بخصوص این که این پدیده ریشه های ممتد تاریخی، انگیزه های گوناگون، اشکال مختلف و متنوع و گسترده ای دارد، بالاخص اگر دولتی متکفل آن شود، و تمام امکانات و توانمندی های خود را در راه تروریسم بسیج کند و به کار گیرد. همه ما باید به خوبی این نکته را درک کرده باشیم که تأثیرات منفی تروریسم، و یا خراب کاری و ویرانگریهای آن مختص به یک کشور خاصی نیست بلکه پدیده ای بسیار خطرناک و موحرش می باشد که همه ممالک جهان را هدف قرار داده است، از این رو عملیات و تمهیدات لازم برای بررسی، مطالعه و حل مشکل آن به صورت انفرادی نمی تواند به نتایج خوبی برای محدود و مهار کردن آن بی نجامد، به همین دلیل حل این معضل مستلزم یک سعی و تلاش و کوشش همه جانبه عربی، اسلامی و غربی، به صورت یکپارچه و در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اطلاع رسانی و... است. باید برنامه عملیاتی و نقشه راه درازمدتی برای مبارزه با پدیده تروریسم تدوین و تنظیم کرد و باید طرح های مناسب و راه حل های عملی که به محدود و مهار و از بین بردن این پدیده منتهی شود را، پیشنهاد کرد که این البته مستلزم یک وضع مشترک که از جانب اطراف، موسسات و نهادهای عربی، اسلامی و بین المللی اتخاذ گردد تا این دشمن مشترک ابتدا بازشناسایی شود و سپس باید او را محاصره و تنگنا قرار داد، آن گاه دستگیر و محاکمه کرد».^۷

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری، تروریسم بین المللی محسوب می شود. این ماده چنین مقرر می دارد:

۱. نصیری دامغانی، عباس (۱۳۹۳). جریان شناسی سلفی تکفیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۱۳.

۲. توکلی، یعقوب همان، ص ۲۵

۳. نصیری دامغانی، عباس همان ص ۳۲۶

کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است. هرچند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست، اما کشورهای متبوع اعضای داعش و کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آنها را داشته باشند. تفکر اسلام گرایان افراطی منشعب شده از برخی مذاهب اسلامی که با شعار جهاد نظامی علیه ادیان دیگر و حتی سایر فرق اسلامی همچون شیعه، اقدام به ایجاد گروه هایی در منطقه شده اند که نه تنها سبب ادامه روند پروژه اسلام هراسی است بلکه با سطره در برخی از کشورهای اسلامی همچون عراق، سوریه، مصر، بخش هایی از لبنان و... سبب تغییر منطقه امن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه شده که این امر با منافع ملی در تضاد است و در آینده نزدیک می بایست شاهد تغییر معادلات قدرت در منطقه باشیم. از این رو، ضروری است بدو به علل تاریخی شکل گیری این گروه ها پرداخت تا پس از شناخت صحیح از ماهیت این گروه ها به تطبیق اقدامات آنان با اسناد بین المللی پردازیم تا با احصاء موارد آشکار تضاد اقدامات جریانات تکفیری با اسناد حقوق بین الملل و شناخت ظرفیت های سازمان های بین المللی از روند رو به رشد آنان جلوگیری و با تدوین برنامه های کوتاه و دراز مدت بتوان منطقه خاورمیانه را به منطقه امن و استراتژیک برای عمق اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمود و از طرف دیگر ناظریم که در عرصه بررسی های علمی دانشگاهی به صورت جامع و مانع، کار علمی و تحقیقاتی در خصوص این گروه ها بالاخص تطبیق اقدامات آنان با موازین بین المللی انجام نشده است و صرفاً به صورت پراکنده مقاله هایی در خصوص منشا تشکیل داعش به رشته تحریر درآمده است.

در این مقاله سعی شده است تا با بررسی مسئولیت دولت های حامی تروریسم تکفیری به عنوان یکی از چالش های روز منطقه و بین الملل با عنایت به فرضیه های مطرح شده و سئوالات و اهداف مدنظر پاسخ و نتیجه منطقی و موثر حاصل آید.

مبحث اول: تعاریف و مفاهیم

گفتار اول: تعریف تروریسم

ترور^۱ در فرهنگ سیاسی به «احساس ترس» معنی شده است. واژه ی تروریسم^۲ عقیده داشتن بر لزوم آدم کشی، تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم، برای نیل به هدف های سیاسی، یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت و یا تفویض آن به گروه دیگری معنا شده است. واژه ی ترور از زبان فرانسه به زبان فارسی راه یافته است و در زبان فرانسه و انگلیس نیز به معنای ترس و وحشت به کار برده می شود.^۳

1. Terror
2. Terrorism

۳. محمدی، داود (۱۳۷۵) تروریست های ضد تروریسم، روزنامه سلام، ۲۱ مهرماه

پیران جامعه شناس و محقق علوم اجتماعی معتقد است: ترور را می توان ایجاد وحشت سازمان یافته برای اعمال قدرت تعریف کرد. البته این تعریف به انقلاب کبیر فرانسه و دورانی به نام ترور باز می گردد. اگر ما چنین تعریفی را بپذیریم، بدیهی است که سابقه ی آن به سال های بسیار دور و زمان شکل گیری نخستین نطفه های حاکمیت و قدرت باز می گردد و طبیعی است که به دلیل هوشمندی بشر، همیشه این احتمال وجود دارد که انسان ها در شرایط خاصی با حذف فیزیکی دیگری، یا قدرت خود را تثبیت کنند، یا آن را بسط دهند. در اسطوره ها و ادبیات مذهبی خودمان نیز به مقوله ی ترور بر می خوریم که بحث هاییل و قابیل از این قبیل است البته لازم به توضیح است که هر حذفی را نمی توان ترور نامید و حتماً باید در این حذف بحث اشغال، یا تثبیت حاکمیت وجود داشته باشد و در واقع در قالب ترور سیاسی تعریف می شود.^{۱۱}

گفتار دوم: تعریف مسئولیت بین الملل

«مسئولیت بین المللی یکی از مهمترین و اساسی ترین، نهادهای حقوق بین المللی است. زیرا هرگونه تعهد حقوقی بین المللی، که از سوی تابعان حقوق بین الملل نادیده گرفته شود. مسئولیت بین المللی آنها بدنبال خواهد داشت.

مسئولیت بین المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین المللی است. و عبارت است از الزام به جبران خسارت مادی و معنوی، وارد شده به تابعان حقوق بین الملل (سازمان ها یا کشورها)، ممکن است این خسارت ناشی از یک عمل غیر مشروع و یا خوداری از عمل، و مخالف حقوق بین الملل بوجود آمده باشد.

بر اساس نظریه پرفسور بدوان مسئولیت بین المللی، نهادی است حقوقی، که به موجب آن اگر کشوری مرتکب عمل خلاف حقوق بین الملل گردد. باید خسارت وارده را جبران نماید. شارل روسو برای این نهاد حقوقی، نقشی اساسی قایل شده. هر چند که به نظریه حقوق بین الملل از خیلی جهات ابتدایی است. و در اکثر دعاوی بین المللی اثر ترمیمی دارد تا ابطالی.^{۱۲}

به عبارتی دیگر مسئولیت بین المللی تکلیفی است که به موجب حقوق بین الملل به دولت ها تحمیل می گردد، تا هر دولت خساراتی را که بر اثر نقض قواعد حقوق بین الملل، ناشی از عمل یا خودداری اش در انجام دادن تکلیف به دولت دیگر وارد کرده، جبران نماید. به بیان دیگر، تعهد به جبران خسارت، محتوای اصلی مسئولیت بین المللی است و در اشکال مختلف و راه های گوناگون به اجرا درمی آید که هر یک از آن کارکرد خاصی دارد. جبران خسارت واژه ای عمومی و کلی است که روش های گوناگون و تحت اختیار، برای رهاساختن خویش از مسئولیت بین المللی یا ادای مسئولیت را تشریح می کند.

۱. بهارلو، اکبر (۱۳۸۰) کنکاشی در مبانی و تعاریف ترور و تروریسم، مجله پگاه حوزه، بهارماه، شماره ۲۳

۲. حامی، نصرت الله، حقوق بین الملل عرفی در مورد تابعیت مضاعف، مجله حقوقی، شماره ۲ (۱۳۹۰).

گفتار سوم: مفهوم تروریسم

این واژه در طی ۲۰۰ سال اخیر در معرض تغییرات زیادی قرار گرفته است؛ در آغاز کاربرد خود، برای دلالت بر فعالیت حکومت‌های پس از انقلاب فرانسه به کار رفته؛ و تنها در آخر قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم میلادی بر اعمال خشونت‌آمیز بر ضد حکومت دلالت کرده است.^{۳۳} تروریسم یکی از نمادهای خشونت است که انسان در جامعه انجام می‌دهد. این فعالیت زاینده امروز نیست؛ بلکه در طول تاریخ در جریان بوده است. مصری‌های باستان شاهد آن بوده‌اند و تا دوران یونانیان باستان و سپس دوران روم باستان و در فرانسه در قرن ۱۹ هم‌زمان با اعلام جمهوری ادامه یافته است. تروریسم، پا به پای جنبش‌های آزادی‌بخش در نقاط مختلف دنیا در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا جان گرفت و به جای‌گزینی برای جنگ‌های سنتی و مرسوم تبدیل شده است. در سال‌های اخیر فعالیت‌های تروریستی به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. «مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۳۷ این واژه را این گونه تعریف کرده است: همه اعمال مجرمانه ضد کشورهای که به حکم ماهیت یا هدف این اعمال، کارش برانگیختن ترس در جان شخصیت‌های مشخص یا گروهی از افراد جامعه و یا توده مردم است»^{۳۴}.

قانون تصویب شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ در مورد اقدامات مقابله با تروریسم بین‌المللی دربردارنده این تاکید است که اقدامات مجرمانه که طبیعت آن‌ها برانگیختن ترس در جان عموم مردم یا گروهی از اشخاص به خاطر اهداف سیاسی است؛ در هیچ شرایطی و با هیچ دیدگاه و راهبردی توجیه‌پذیر نیست؛ فرقی نمی‌کند که دیدگاه و نظریاتی که برای این توجیه به کار گرفته می‌شود سیاسی باشد یا فلسفی یا ایدئولوژیک یا رادیکالی یا نژادپرستانه یا دینی و یا هر دیدگاه دیگر.

«تروریسم بین‌المللی، عبارت است از اقدامات و ابزار ناموجهی که سازمان‌ها یا کشورها برای برانگیختن ترس عموم مردم یا گروهی از آن‌ها به علل سیاسی بدون توجه به انگیزه‌های گوناگون آن از آن‌ها بهره می‌برند. در سایت فرهنگ لغت «لاروس» به زبان فرانسوی در کنار چند سطر نخست تعریف واژه «ارهاب» (تروریسم) تصویری از «مناحم بیگن» نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی قرار داده شده که پشت‌سر او پرچم اسرائیل نمایان است.^{۳۵} فرهنگ لغت لاروس که مرجع و ضامن علمیت و بی‌طرفی برای میلیون‌ها فرانسوی و همه ملت‌های فرانسوی‌زبان در گوشه و کنار دنیا (فرانکفونی) به حساب می‌آید؛

جامعه‌شناسی سیاسی تروریسم را این گونه تعریف کرده است: «هر حرکت یا رفتار بشری که در تعامل با مدیریت روابط انسانی به هنگام اختلافات آن‌ها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به سراغ به کارگیری مقداری از قوه قهریه شامل اجبار و آزار جسمی و به کارگیری غیر قانونی اسلحه و

۱. الکس پ. اشمید، الإرهاب والجريمة، ص ۲۲۴.

۲. عبید حسنین، الجريمة الدولية دراسة تحليلية تطبيقية، ص ۳۳.

۳. فرهنگ لغت لاروس عربی به فرانسه.

۴. واژه فرانکوفونی نخستین بار در سال ۱۸۸۰ به کار رفت. در حقیقت این واژه توسط یک جغرافی‌دان فرانسوی به نام اونسیم رکلو ۱۹۱۶-۱۸۲۷ به منظور طراحی مکان‌های جغرافیایی که در آنها زبان فرانسه گویش می‌شود ابداع شد.

تکنولوژی های سنتی و مدرن شکنجه که مخالف با حقوق اساسی بشر مورد تاکید و تایید ادیان آسمانی و پیمان های بین المللی می رود. هدف آن ها از این کار محقق ساختن اهدافی در آن زمینه ها و عرصه ها است که بین مقهورسازی، فشار، اصلاح، به حاشیه راندن و تبعید کردن در نوسان است. گاهی افراد دیگری غیر از گروه هدف هم مورد تجاوز و ستم قرار می گیرند.^۱ قانون عراقی مقابله با تروریسم مصوب سال ۲۰۰۵، تروریسم را این گونه تعریف کرده است: «هر اقدام مجرمانه توسط یک فرد یا گروه سازمان یافته که در آن فرد یا مجموعه ای از افراد یا گروه ها یا نهادهای رسمی یا غیر رسمی را با هدف های تروریستی مانند: اختلال در وضعیت امنیتی یا ثبات یا وحدت ملی یا وارد کردن رعب و وحشت بین مردم و یا ایجاد هرج و مرج مورد هدف خود قرار داده و باعث وارد آمدن زیان هایی به دارایی های عمومی یا خصوصی شود».^۲ «الکس اشمید در اثر خود به نام راهنمای تحقیق درباره مفاهیم، نظریه ها، اطلاعات پایه و تألیفات در باب تروریسم بیش از صد تعریف از تروریسم گردآوری کرده است. در مجموع به عناصری مشترک در تعاریف رسیده است که عبارتند از: «خشونت، جنبه سیاسی پدیده، وحشت و ترس».^۳ عمومی ترین ویژگی تروریسم، خشونت یا تهدید به خشونت می باشد»^۴ «هر اقدام تروریستی نوعی اقدام خشونت آمیز نیز می باشد، اما هر عمل خشونت آمیز، اقدامی تروریستی نیست. اقدام خشونت آمیز دو وجهی است: قاتل و مقتول یا ضارب و مجروح، درحالی که اقدام تروریستی یک وجه آن انجام «خشونت و تهدید»، وجه دوم آن «انتقال پیام خشونت» و وجه سوم آن «احساس وحشت جدی» می باشد. از نظر اشمید بین هدف «خشونت و هدف ترور و بین قربانی و حریف تفاوت وجود دارد؛ در یک قتل تروریستی قربانی به راحتی می تواند تغییر کند، زیرا هدف غایی تأثیر بر افکار عمومی است».^۵

گفتار چهارم: گروه های تکفیری در منظر اسناد بین المللی (کنوانسیون ها و قواعد و مقررات)

در طول تاریخ وصف خشونت جنگ با ماهیت جنگ ملازمه و ارتباط مستقیمی داشته است. در جنگ، طرف پیروز میدان، تمامی آنچه که از دشمن شکست خورده به جا مانده، در مالکیت خود قرار می داد. نحوه برخورد طرف پیروز جنگ غالباً بسته به نوع اراده وی متغیر بود. به عبارت دیگر او می توانست کلیه

۱. کمال نیص، ظاهرة الإرهاب - المفهوم - الأسباب - الدوافع، ص ۷.

۲. قانون مقابله با تروریسم، شماره ۱۳، مصوب ۲۰۰۵.

۳. اردبیلی؛ محمد علی: ۱۳۸۰، مفهوم تروریسم» تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی ها، همایش پنجم و ششم، انتشارات جنگل، چاپ اول. ص ۱۱

۴. ره یک؛ سیامک: ۱۳۹۰: «تحلیل تروریسم در نسبت مفهومی امنیت و منافع ملی»، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات، انتشارات جنگل، چاپ اول. ص ۲۲۱.

۵. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، فهم تروریسم، مجله امنیت، بهار، شماره ۳ ص ۳۹-۴۰.

غنایم (کودکان و زنان نیز شامل غنایم می شدند) را رها کند یا بکشد یا در مالکیت خود قرار دهد و در بازار برده فروشان، خرید و فروش نماید. به عبارت دیگر در ابتدا هیچگونه محدودیتی برای طرف پیروز جنگ در خصوص نحوه رفتار با اموال، افراد اسیر بویژه زنان، کودکان و سالخورده‌گان وجود نداشت. شاید بتوان گفت نبرد «سولفورینو»^۱ که در شمال ایتالیا که در سال ۱۸۵۹ در جریان بود؛ به عنوان نقطه عطف اولیه الزام طرفین جنگ به رعایت حقوق جنگ نامگذاری نمود.

۲۴ ژوئن ۱۸۵۹، جنگی میان ارتش‌های اتریش، فرانسه و ساردینا آغاز شد که به دلیل فقدان امکانات مناسب امدادی و پزشکی، بیش از چهل هزار مرده یا در حال مرگ، در صحنه نبرد، به حال خود رها شده بودند. «هانری دونانت»^۲ یک تاجر اهل ژنو که شاهد قتل عام و نبود امکانات مناسب جهت یاری رساندن به مجروحین بود، پس از بازگشت خود به ژنو در سال ۱۸۶۲، کتابی را به نام خاطرات «سولفورینو»^۳ به چاپ رساند (این کتاب به عنوان یکی از اسناد سازمان صلیب سرخ جهانی؛ بارها به چاپ رسیده است).^۴ روایت دقیق و همراه با عطف دوانت وی را به سمت طرح دو پیشنهاد اصلی و مهم سوق داد. او در ابتدا از دولت‌ها برای ایجاد پاره‌ای اصول بین‌المللی در قالب تصویب کنوانسیون غیر قابل نقض دعوت به عمل آورد و در گام بعدی، او پیشنهاد ایجاد یک انجمن ملی جهت تهیه و آماده‌سازی لوازم و پرسنل مورد نیاز در زمان جنگ جهت کمک به زخمیان و بیماران را ارائه داد. کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو در مورد «بهبود شرایط زخمی‌شدگان نیروهای نظامی در صحنه نبرد»^۵ که در همان کنفرانس تصویب شد.

با شروع یافتن جنگ جهانی دوم و قتل عام هزاران نفر و نقض حقوق اساسی انسان‌ها از جمله اسیران جنگی دولت‌ها را به سمت پیش‌بینی مقرراتی برای حفظ حقوق انسان‌ها پیش برد و در سال ۱۹۴۹ با تصویب چهار کنوانسیون ژنو، راه را برای رعایت هرچه بیشتر حقوق افراد اعم از نظامی و غیرنظامی در فاصله جنگ و پس از آن هموار ساخت. کنوانسیون‌های ژنو متمرکز بر حمایت نظامیان زخمی، بیمار و اسیران جنگی و غیرنظامیان است.

آنچه که ذکر شد تنها بخشی از تلاش‌های دولت‌ها و کشورها در حفظ حقوق طرفین جنگ می‌باشد. در این بخش تلاش بر آن است تا اقدامات گروه‌های تکفیری در مناطق و سرزمین‌های تحت سلطه را با تکیه بر مقررات و اسناد بین‌الملل عملکرد و مورد بررسی قرار دهیم. لذا این فصل را با نام «اقدامات گروه‌های تکفیری در منظر اسناد بین‌المللی و مسئولیت‌های مترتب بر آن» نام نهادم تا با تقسیم آن در دو بخش جهت رسیدن به پاسخ فرضیات مطروحه رساله خویش؛ به صورت موشکافانه‌ای این فصل را پی‌گیرم. بخش اول از فصل دوم به بررسی اقدامات گروه‌های تکفیری در منظر اسناد بین‌المللی اختصاص دارد در این بخش

1. Solferino

2. HJ dunant

3. A memory of solferino (Geneva; International committee of red cross;1986)

4. International committee of red cross

5. The Geneva convention for Amelioration of the condition the Wounded in Armies in the Field (adopted 22 Agust 1864; entered into force 22 june 1865)

با تکیه بر کنوانسیون‌ها و توافقات بین‌المللی، عملکرد گروه‌های تکفیری از دریچه اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم از این فصل، مسئولیت‌های بین‌المللی مترتب بر عملکرد تکفیریان و کشورهای حامی آنان مورد کنکاش قرار خواهد گرفت.

توصیف ماهیت حقوقی گروه‌هایی تکفیری تا حدی پیچیده است. گروه‌های تکفیری در مناطق تحت سلطه خود با انگیزه ایجاد هراس در بین مردم منطقه جهت شکستن جبهه‌های مقاومت و مغلوب کردن دشمن اقداماتی را تحت عنوان اجرای مجازات‌های اسلامی، از بین بردن نمادهای کفر، شرک و... دست به ارتکاب اعمالی زده‌اند که می‌تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت باشد.

جنایات علیه بشریت یکی از شنیع‌ترین جرایم بین‌المللی است که با به وجود آمدن مباحث جدیدی چون حقوق کیفری، تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و الحاق تعداد زیادی از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مطرح شده است. اهمیت بحث جنایات علیه بشریت این است که به عنوان جرایم مقدماتی و زمینه‌ساز جرایم علیه صلح و یا جنایات جنگی محسوب می‌شوند.

اصل حقوق بشر دوستانه قدمت ۷۰۰۰ ساله دارد. این مقررات در طول ایام گسترش یافته و نقض برخی از آن‌ها جنایات علیه بشریت محسوب می‌شود این جنایات در ابتدا بخشی از جنایات جنگی را تشکیل می‌دادند اما بعد از گذشت سال‌ها به وسیله معاهدات بین‌دولت‌ها، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و نوشته‌های علمای حقوق مشخص‌تر شدند.

با پایان قرن ۱۹ میلادی جرایم علیه بشریت به معاهدات بین‌المللی راه یافت. در قوانین لاهه ۱۹۰۷-۱۸۹۹ که راجع به قوانین و عرف جنگ‌های زمینی است؛ از اصطلاح قوانین بشری استفاده شده است قبل از منشورنورنبرگ این اولین استفاده از اصطلاح جرایم علیه بشریت است. مقررات کنوانسیون لاهه این نکته را تأکید می‌کند که حق طرف‌های جنگ در انتخاب ابزار و شیوه‌های جنگ نامحدود نیست.

در مورد جنایات علیه بشریت این نکته حایز اهمیت است که این جنایات علیه انسانیت بوده و برخی اصول کلی را نقض می‌کند و موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شود این جرایم دارای موارد بی‌شماری است که در منشورها و اساس‌نامه‌های مختلف از آن نام برده است.

اولین استفاده تخصصی از اصطلاح جنایات علیه بشریت در منشور نورنبرگ بود بند ۳ ماده ۶ این منشور که شامل مواردی از جمله قتل عمدی؛ ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید، یا هر عمل غیر انسانی دیگر که علیه مردم غیر نظامی قبل از جنگ یا در حین جنگ ارتکاب یافته باشد و یا تعقیب و آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرا یا در ارتباط با یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه می‌باشد. در سال ۱۹۴۵ در قانون شماره ۱۰ شورای کنترل یک سری موارد را به جنایات علیه بشریت اضافه کرد.

جنایات علیه بشریت در ۳ سطح مطرح می‌شود:

۱- سطح داخلی: برخی آن را با توجه به اهمیت‌شان در قانون داخلی وارد کرده‌اند.

۲- منطقه ای: بر اساس کنوانسیون‌های ارتقای حقوق بشر میان قاره ای یا منطقه ای منعقد گردیده مثل کنوانسیون‌های اروپایی، آمریکایی، آفریقایی حقوق بشر.

۳- در سطح بین المللی: که محور بحث ما می‌باشد. این جنایات امروزه ریشه عرفی دارد و در زمره قواعد آمره است و جز تعهدات الزام آور دولت‌ها نسبت به یکدیگر شمرده می‌شود. ویژگی‌های جنایات علیه بشریت را می‌توان در اسناد دادگاه‌های کیفری بین المللی یا کیفری موقت (یوگسلاوی و رواندا) دادگاه بین المللی کیفری دایمی (icc) به تفصیل پیدا کرد.

مبحث دوم: وضعیت حقوقی تکفیریان در عرصه بین الملل

گفتار اول: مخاصمات بین المللی و غیر بین المللی

ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو^۱ مقرر می‌دارد: «علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود، کنوانسیون حاضر در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد و یا هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز نماید اجرا خواهد شد ولو اینکه یکی از دول مزبور وجود چنین مخاصمه‌ای را تصدیق ننمایند. این کنوانسیون در هر مورد که تمام و یا قسمتی از خاک یکی از دول معظم متعاهد اشغال نشود نیز معجزی است حتی اگر این اشغال با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجهه نگردد». ماده فوق بیانگر نکاتی است از جمله این که اولاً مخاصمات مسلحانه بین المللی مخاصماتی هستند که میان دول متعاهد روی می‌دهند و این وضعیت زمانی است که یک و یا چندین دولت در مقابل دولت دیگر به نیروی مسلح متوسل می‌شوند. ثانیاً شدت و میزان و هم چنین مدت زمان چنین مخاصماتی متفاوت و متغیر است. ثالثاً عدم اعلام حالت جنگی و یا عدم شناسایی آن از سوی طرفین مخاصمه، ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص مخاصمات مسلحانه بین المللی نیست. بنابراین می‌توان گفت که هر اختلافی که بین دولت‌ها بوجود آمد و موجب درگیری و در نتیجه بکارگیری نیروی مسلح میان آنها شود یک مخاصمه مسلحانه بین المللی و به معنای ماده ۲ مشترک کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد. در حال حاضر، درگیری مسلحانه بین دولت به ندرت اتفاق می‌افتد و بیشتر درگیری‌ها از نوع مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی است که در قلمرو داخلی دولت‌ها روی می‌دهند. ماده ۳ مشترک کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و مکمل آن پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی هستند. تعریف مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی مطابق ماده ۳ کنوانسیون مذکور بدین صورت است که چنین مخاصماتی ویژگی بین المللی ندارند و در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی، گروه‌های مسلح غیر بین المللی مطابق با ماده ۱ پروتکل الحاقی شماره ۲ همراه با تحقق شرایطی است و

1. Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977.

گروه های مسلح مخالف بایستی این شرایط را دارا باشند. شرایط مذکور عبارتند از برخورداری از نیروهای مسلح سازمان یافته و دارا بودن یک فرمانده مسئول و نیز کنترل بخشی از قلمرو کشور تا مجموع این ها موجب عملیات نظامی مداوم و مجتمع و نیز اجرای پروتکل حاضر گردد. در یک ارزیابی نهایی می توان گفت که مخاصمه مسلحانه بین المللی مخاصماتی هستند که میان دولت ها با توسل به نیروهای مسلح روی می دهند اما مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی مخاصماتی هستند که در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه های مسلح مخالف و یا بین خود این گروه ها در یک مدت زمان متعارف روی می دهد.

گفتار دوم: شورش

واژه شورشی زمانی به یک گروه اطلاق می شود که مورد شناسایی قرار بگیرد. به عبارت دیگر برخی نویسندگان از اصطلاح «آشوبگر» برای معرفی گروه مبارزی استفاده می کنند که حتی اگر تمام شرایط پروتکل دوم را دارا باشد بطور صریح یا ضمنی از سوی دولت مرکزی مورد شناسایی قرار نگرفته باشد و به محض مورد شناسایی قرار گرفتن وضعیت آن ها تبدیل به شورشی می شود که حق مطالبه حقوق خود را طبق پروتکل دوم خواهد داشت که از این زمان به آن «belligerent» گفته می شود.^۲ نکته ای که باید در تعریف شورشیان مورد توجه قرار گیرد بررسی نسبت آنها با تروریسم است. شورشیان عمدتاً برای نیل به اهداف خود دست به اعمال تروریستی می زنند اما لزماً تمام اقدامات مسلحانه شورشیان در طول مبارزه تروریستی نیست. به علاوه بسیاری از اقدامات تروریستی از سوی خود دولت مرکزی علیه غیر نظامیان صورت می گیرد «غیر نظامیان کسانی هستند که شرکت فعال در مخاصمه ندارند و شامل کسانی می شوند که سلاح خود را بر زمین گذارده اند یا به علت زخمی شدن یا بیماری یا بازداشت یا به دلایل دیگر قادر به ادامه مبارزه نیستند».^۳ شورشیان در مخاصمات مسلحانه می بایست الزامات حقوقی را رعایت نمایند. البته نظر به این که معمولاً دولت مرکزی از حیث امکانات دارای قدرت برتری نسبت به شورشیان است لذا شورشیان جهت جلوگیری از شکست و ارباب و تضعیف روحیه نظامیان دولت مرکزی امکان دارد دست به اقداماتی بزنند که آنان را از حالت شورشی خارج و به حالت تروریسم تبدیل نماید.

«تکفیریان در سوریه تلاش های فراوانی را برای ایجاد ائتلاف های فراگیر و تشکیل کنفرانس هایی به منظور شناسایی بین المللی و تجویز اقداماتشان در و سایر مناطق تحت سلطه به عمل می آورند». نتیجه یکی از این تلاش ها در سوریه سبب تشکیل شورای ملی سوریه در استانبول ترکیه، در سال ۲۰۱۱ گردید. این شورا هدف خود در منشور وفاق ملی سوریه، متحد کردن دیگر گروه های اپوزیسیون و طرفداران انقلاب

1. insurgents

۲. ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳) مسئولیت دولت های حامی جریان تکفیری از منظر حقوق بین الملل، جزوه درسی، دانشکده حقوق، تارنمای

دانشگاه قم ص ۹۶

۳. همان، ص ۹۷

مسالمت‌آمیز، بیان نگرانی‌ها و خواست‌های مردم سوریه، رعایت حقوق بشر، استقلال دستگاه قضایی، آزادی مطبوعات، دموکراسی و تکررگرایی بیان کرده‌است. «یاسر تبارا، سخنگوی شورای ملی سوریه، اعضای فعال گروه را ۱۱۵ تا ۱۲۰ نفر از تمامی گروه‌های گوناگون مخالف رژیم سوریه اعلام کرده‌است که به دلایل امنیتی فقط نام ۷۱ نفر از اعضای شورای ملی به طور کامل معلوم شده‌است.^۱ تبسمه قضمانی، برهان غلیون و حاتم المالح در نخستین نشست کنگره شورای ملی سوریه در تونس، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ ترکیب شورای ملی سوریه را گروه‌های مختلفی نظیر اعضای تبعید شده گروه اخوان المسلمین، اعلامیه دمشق برای تغییرات دموکراتیک، کمیته هماهنگ محلی، کمیسیون انقلاب سوریه، احزاب کرد، رهبران طوایف و قبایل و نیروهای مستقل شکل داده‌است. برهان غلیون از اصلی‌ترین اعضای شورا است و در سپتامبر ۲۰۱۱ به عنوان رئیس شورای ملی مخالفان سوریه برگزیده شد. در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی، اعضای شورای ملی سوریه در نشستی در ترکیه، عبدالباسط سیدا از فعالین سیاسی گردتبار سوریه را به عنوان رهبر جدید خود انتخاب کردند. شورای ملی سوریه توسط ۱۲ عضو سازمان ملل متحد که ۲ عضو از این تعداد از کشورهای دائم عضو شورای امنیت (ایالات متحده آمریکا و فرانسه)، ۲ «سازمان بین‌المللی (اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب) و شورای ملی انتقالی لیبی مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته‌است. بلژیک، کانادا، آلمان، ایتالیا، هلند و ترکیه هنوز به صورت رسمی شورای ملی سوریه را به رسمیت نشناخته‌اند.^۲ در ۱ آوریل ۲۰۱۲ کشورهای شرکت‌کننده در دومین نشست دوستان مردم سوریه «بیش از ۸۰ کشور جهان) این شورا را به عنوان نماینده قانونی مردم سوریه به رسمیت شناختند».

همانگونه که گفته شد اقدامات شورشیان در راستای نیل به اهداف خود و سرنگون ساختن دولت مرکزی، می‌تواند سبب اقدامات تروریستی و مغایر حقوق بشر شود. «جنایت گروه‌های تکفیری تا آنجا ادامه داشت که به ناچار سکوت جامعه بین‌المللی شکسته شد و شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) تکفیریان حاضر در سوریه و عراق را به عنوان گروه تروریستی شناخت».^۳

گفتار سوم: تروریسم مذهبی

«تروریسم مذهبی یا تروریسم جدید» پس از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ وارد ادبیات حقوق بین‌الملل گردید. تروریسم مذهبی که تمام ویژگی‌های تروریستی دارد صرفاً به دلیل انگیزه‌های مذهبی علیه سایر پیروان همان دین یا دین‌های دیگر استفاده می‌شود. «تروریسم انتحاری»^۴ که یکی از شاخه‌های اصلی

۱. همان پیشین.

۲. صالحی‌نیا؛ سعید: ۲۰۱۲، خطر پیشبرد سناریوهای دولت‌سازی و وظایف چپ، انتشارات راستین، تهران، چاپ اول، ص ۲۱۰.

3. United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014) Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169.

4. Suicide Terrorism

تروریسم جدید است، با رشد فزاینده ای در سالهای اخیر مواجه بوده است و هر چند به لحاظ تعداد عملیات انتحاری، تنها ۳ درصد اقدامات تروریستی بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ را شامل شده است ولی ۴۸ درصد کشتار را به خود اختصاص داده است. ظهور تکفیری ها به عنوان تروریست مذهبی در منطقه خاورمیانه و برخی کشورهای قاره آسیا علل و عوامل مختلفی دارد: «فقر اقتصادی، فقر فرهنگی»^۱، «حکومت های دیکتاتوری، بی عدالتی، نقض فاحش حقوق بشر، وجود ساختارهای قبیله ای و عشیره ای»^۲، «رقابت های فرقه ای و مذهبی»^۳ و «دخالل بیگانگان»^۴ از جمله آنهاست که از حوزه بحث حقوقی ما خارج است. اما از بعد حقوقی، ظهور این شکل از تروریسم در حال حاضر موجب ترویج نوعی افراطی گری خشن توسط گروه های متفاوت تکفیری شده است؛ «گروه هایی که سازمان ملل متحد و دیگر کشورها آنها را تروریستی معرفی می کنند. اعمال غیرانسانی و خشونت آمیز تکفیری ها در لبنان، مصر، نیجریه (بوکو حرام)، سوریه (سلفی ها)، رفتارهایی مانند قتل عام مسلمانان و به ویژه شیعیان (غیرنظامیان)، بردن سر انسان های بی گناه و تبدیل سر آنها به توپ فوتبال، شکنجه، آزار و اذیت، گروگان گیری، خوردن گوشت قربانیان، تجاوز گسترده به زن ها، نابود کردن آثار مذهبی، فرهنگی و تاریخی، صدور فتوای عجیب از سوی مفتی ها و رهبران شان، و به طور کلی عدم رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه موجب تروریست خوانده شدن از سوی سازمان ها و نهادهای بین المللی شده است. می توان سابقه تاریخی شکل گیری تروریسم مذهبی تکفیریان را به عبدالله عزام دانست. عبدالله عزام از اولین اشخاصی است که برای شرکت در جهاد علیه شوروی برای اشاعه افکار خود به افغانستان رفت. وی تنها راه موفقیت در استقرار جامعه اسلامی را جهاد علیه دشمنان اسلام می دانست، او به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و در بیست و چهارم نوامبر ۱۹۸۹ م. به همراه پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه در پیشاور پاکستان ترور شد»^۵.

«اسامه بن لادن یک اشرف زاده شهرت طلب و دارای نفوذ فراوان در بین سرمایه داران و جوانان عرب و حتی ناراضیان خانواده سلطنتی آل سعود بود. فعالیت های نظامی و آموزشی اسامه هم برای آمریکا و هم برای عربستان سعودی به عنوان زنگ خطری جدی تلقی گردید، به سبب ممنوع الخروج قرار گرفتن فرزندان از عربستان، نسبت به آمریکا و شاه فهد شدیداً ناراحت شده بود»^۶. حمله به نیروهای آمریکایی در

۱. شریفی، محسن: ۱۳۸۵، «فقر: تهدید امنیت بین المللی در قرن ۲۱»، فصل نامه راهبرد، ش ۳۹

۲. برای نمونه، طالبان و القاعده بیش از آنکه در قالب یک گروه متمرکز قابل تعریف باشد، در قالب یک شبکه مطرح هستند، شبکه ای که نه تنها در افغانستان و پاکستان، بلکه در عراق، سودان، سومالی، و برخی از شیوخ خلیج فارس نفوذ و اقتدار دارد و برخورد با این شبکه نیازمند نفوذ در این شبکه و انحلال آن از درون است.

۳. برای مثال، با تشکیل دو مکتب و فرقه مذهبی به نام های «دیوبندی» و «لوی» در پاکستان رقابت های فرقه ای آغاز شده بود و با تنگ تر کردن عرصه بر اقلیت شیعه، جامعه پاکستان به سوی اختلافات مذهبی و فرقه ای سوق داده شد که پیامد آن تشکیل سپاه صحابه بود که حملات تروریستی بسیاری را علیه شیعیان به انجام رساند.

۴. همان پیشین.

۵. همان، ص ۱۱۶-۱۱۷.

۶. عبدالقیوم فدوی، اسامه بن لادن و ماجراها، ص ۴۱.

ظهران را یک جنگ مقدس و جهاد خواند و تأکید داشت سربازان آمریکایی باید خاک عربستان سعودی را ترک کنند. چون آن‌ها مسلمان نیستند و تا وقتی که آمریکا نیروهای نظامی‌اش را از خاک عربستان سعودی بیرون نکند، وی در خارج از آمریکا، هر نوع ساختمان و سفارت‌های آمریکایی را تخریب خواهد کرد. معتقد بود که طبق دستور آمریکا چهارفرزندش در عربستان سعودی تحت‌نظر قرار گرفته‌اند، در این صورت چه‌طور ممکن است در برابر فهد و آمریکا خاموش باشد؟^۱ دو اعلامیه از بن‌لادن صادر شد که در آن‌ها سعی می‌کند سیاست خشونت را مقدس نشان دهد. اولین اعلامیه در ۲۶ آگوست ۱۹۹۶ م. و تحت عنوان «اعلامیه جهادی علیه آمریکا که دو سرزمین و مکان مقدس را اشغال کرده است» و رژیم عربستان هم، شریعت اسلامی را، کنار گذاشته و به نیروهای خارجی اجازه داده تا کشور را اشغال کنند.^۲ اعلامیه دوم در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ م. و تحت عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان است» بر آن است که سالیان متمادی ایالات متحده مقدس‌ترین سرزمین‌های اسلام یعنی شبه‌جزیره عربستان را اشغال کرده است و ثروت این سرزمین را به یغما برده است، حاکمانش را کنترل و مردمانش را تحقیر می‌کند؛ هم‌چنین به دنبال تحریم اعمال شده آمریکا بر عراق، بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده‌اند و هدف اصلی آمریکا حمایت از دولت یهودی و منحرف کردن افکار عمومی، از فلسطین و قتل عام مسلمانان آن‌جاست. بنابراین تنها پاسخ مناسبی که مسلمانان می‌توانند به این خیانت بدهند، جهاد است.^۳

«ایمن ظواهری تا زمان حیات بن‌لادن نفر دوم سازمان القاعده به حساب می‌آمد و پس از اسامه بن‌لادن، وی نقش اول در سازمان القاعده را بازی می‌کند. او در سال ۱۹۹۳ م. به ریاست الجهاد رسید و با آشنایی با بن‌لادن بنیان‌گذار سازمان القاعده در سال ۱۹۹۸ م. الجهاد را با القاعده ادغام کرد، رادیکالیسم قوت مضاعف، یافت و هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند.»^۴ ظواهری معتقد است که باید جهاد را به سطح جهانی کشیده و در جبهه‌های مختلف و به ویژه علیه ایالات متحده و متحدانش، یعنی اسرائیل و رژیم‌های سکولار خاورمیانه درگیر شد.^۵ ایالات متحده از القاعده در مقابل حمله نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان برای تضعیف کمونیست با ارسال موشک‌های ضد هوایی استیگر به بن‌لادن و کمک‌های مالی از طریق بانک بین‌المللی سرمایه در افغانستان حمایت کرد و از طرفی کمک به القاعده برای محدود سازی ایران و ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود که با یاری‌رساندن به جنبش‌های رادیکالیسم ضد شیعی مانند القاعده این کار را انجام داد. هدف دیگر واشنگتن از حمایت القاعده، دور کردن کانون بحران خاورمیانه از منطقه

۱. همان، ص ۵۰.

۲. مهدی بخشی‌شیخ احمد، «بررسی و عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۴. منصور میراحمدی، «مقایسه ویژگی‌های معرفت‌شناختی جریان‌های فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام»، فصل‌نامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۵. همان.

فلسطین و معرفی افغانستان به عنوان کانون جدید توجه بود.^۱ بسیاری از گروه های تکفیری که بر مبنای این اندیشه شکل گرفته اند، به دلیل اقدامات خشونت بار و غیرانسانی به عنوان گروه های تروریستی شناخته می شوند. در این میان وزارت امور خارجه آمریکا لیستی از گروه های تروریستی در مناطق مختلف جهان منتشر کرده که بسیاری از آن ها به وسیله شورای امنیت سازمان ملل و نهاد اروپایی حقوق بشر نیز در لیست گروه های تروریستی آمده اند. لیست اعلام شده به شرح زیر می باشد: سازمان ابونیدال (آنو)، گروه ابوصیاف (ای اس جی)، تیپ شهدای الاقصا (ای ای ام بی)، القاعده (ای کیو)، القاعده در شبه جزیره عربی (ای کیو ای پی)، القاعده در ایران (ای کیو آی)، القاعده در مغرب اسلامی (ای کیو آی ام)، الشباب (ای اس)، انصار الاسلام، اسباط الانصار، ام شنیری کیو (ام)، سرزمین پدری و آزادی باسک (ای تی ای)، حزب کمونیست فیلیپین، ارتش نوین خلق (سی پی پی / ان پی ای)، جماعه الاسلامیه (آی جی)، حماس، حرکه الجهاد الاسلامی (اچ یو جی آی)، حرکه الجهادی الاسلامی بنگلادش (اچ یو جی آی - ب)، حرکه المجاهدین (اچ یو ام)، حزب الله، اتحاد جهاد اسلامی (آی جی یو)، جنبش اسلامی ازبکستان (آی ام یو)، جیش المحمد (جی ای ام)، جماعه اسلامیة (جی آی)، جندالله، کاهانه چای، کتاب حزب الله (کی اچ)، حزب کارگران کردستان (پ ک ک)، لشکر الطیبه (ال تی)، لشکر جهنگوی (ال جی)، گروه مبارزه اسلامی لیبی (ال آی اف جی)، گروه مبارزان اسلامی مراکش (جی آی سی ام)، جهاد اسلامی فلسطین - حزب شقاقی (پی آجی)، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (پی اف ال پی)، جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی (پی اف ال پی - جی سی)، راه درخشان (اس ال) و تحریک طالبان پاکستان (ت ت پ).^۲

مبحث سوم: مسئولیت حقوقی و کیفری تکفیریان و دولت های حامی

گفتار اول: مسئولیت حقوقی و کیفری تکفیریان

همانگونه که گفته شد شورشیان در مخاصمات خود علیه دولت مرکزی نبایستی از مقررات حقوق جنگ، حقوق غیرنظامیان و در حالت عام، اصول و مقررات بشردوستانه خارج گردند. ماده ۱۰ طرح مسئولیت که به اقدامات متخلفانه شورشیان می پردازد صریحاً اعلام می کند که عبارت پردازی های کمیسیون به معنای رفع مسئولیت از شورشیان به عنوان بازیگران غیردولتی نیست. اما کمیسیون با توجه به عنوان و چارچوب طرح خویش به نظام مسئولیت بین المللی شورشیان یا بازیگران غیردولتی به طور کلی اشاره ای بیش از این نمی کند. برای تحمیل مسئولیت به شورشیان می بایست اعمال ارتكابی قابلیت انتساب به شورشیان را داشته باشد و دولت مرکزی در حالتی قرار گیرد که نتوان عمل ارتكابی یا ناقض حقوق بشر را به وی منتسب

^۱ حمید رضا اسماعیلی، القاعده از پندار تا پدیدار، ص ۵۸-۵۹.

^۲ کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۷جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام) - قم - ایران، چاپ: ۱.

نمود. طبق ماده ۲ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها «فعل متخلفانه بین المللی دولت هنگامی محقق می شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل به موجب حقوق بین الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و به عنوان نقض تعهد بین المللی آن دولت تلقی شود. به عبارت دیگر چنانچه نتوانیم عمل را منتسب به دولت کنیم در این موقع فروض مختلفی جهت انتساب یا عدم انتساب مسئولیت به شورشیان قابل طرح است. در این ارتباط، معیارهای مختلفی برای انتساب عمل بازیگر غیردولتی به دولت مطرح شده اند، مانند دکترین کنترل مؤثر در آرای دیوان بین المللی دادگستری در قضایای نیکاراگوئه، نسل کشی کنگو علیه اوگاندا، دکترین کنترل کلی در دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ، دکترین حمایت و پناه دادن به تروریست ها در قطعنامه های (۲۰۰۱) ۱۳۶۸ و (۲۰۰۶) ۱۷۰۳ شورای امنیت، دکترین ارتباط کافی در سازمان تجارت جهانی و سایر موارد مذکور در مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین الملل برای مسئولیت بین المللی دولت ها. بر اساس مقررات بین المللی شورشیان مکلف به حفظ و رعایت حقوق بشر می باشند که می توان به مقررات بند ۵ ماده مشترک میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ و همچنین برخی اسناد حقوق بشری، مانند کنوانسیون سرکوب و مجازات تبعیض نژادی مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون مبارزه با نسل کشی مصوب ۱۹۴۸ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئولیت کیفری افراد اشاره کرد. شورای امنیت نیز در قطعنامه های مربوط به افغانستان، گینه بیسائو و لیبیا به لزوم احترام طرفین محاصمه، از جمله گروه غیردولتی نظامی به قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اشاره دارد کریستین تاموشات با اشاره به قطعنامه های شورای امنیت در مورد یوگسلاوی سابق، افغانستان، سودان، سیرالئون، ساحل عاج، کنگو، آنگولا، لیبیا و سومالی اظهار می دارد: «زمانی که شورای امنیت به التزام طرف های درگیر به رعایت قواعد حقوق بشر اشاره می کند، تعهد جدیدی بر آن ها تحمیل نمی کند. این تعهد، منبعث از حقوق بین الملل بشر است و فارغ از تصمیم شورای امنیت، الزام آور است». قطعنامه ۱۲۴۴ تصریح می کند که اصول کنوانسیون های چهارگانه ژنو باید توسط تمام نیروهای دولتی و غیردولتی درگیر در مخاصمات مسلحانه رعایت شود. نکته ای که در این قسمت است فرق میان شورشیان جدایی طلب و شورشیان انقلابی است ماده ۱۰ طرح مسئولیت، با تفکیک میان شورشیان انقلابی و شورشیان جدایی طلب، حقوق مسئولیت بین المللی این دو گروه را جدا کرده، در حالی که در بند ۱ ماده ۱۰ مربوط به انقلابیون، به عبارت «جنبش شورشی»^۴ بسنده می کند در بند ۲ این ماده در کنار این عبارت به واژه «دیگر جنبش ها»^۵ نیز اشاره می کند. منظور از جنبش شورشی، گروه های

1. The Prosecutor v. Duško Tadic, Case No.: IT-94-I-T, Trial Chamber II, 14 July 1997.

2. sufficient involvement

۳. بند ۵ ماده این دو میثاق بیان می دارد: هیچ چیز در این میثاق به گونه ای تفسیر نخواهد شد که متضمن حقی برای دولت، گروه یا فرد باشد که طبق آن بتواند اقدامی صورت دهد که حقوق و آزادی های شناخته شده در این میثاق را نادیده بگیرد یا محدودتر از آنچه در این میثاق در نظر گرفته شده تفسیر کند.

4. insurrectional movement

5. other movements

غیردولتی سازمان یافته هستند که شرایط مذکور در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون های ژنو را به دست آورده باشند.^۱ یعنی کنترل بر بخشی از سرزمین، سازماندهی، فرماندهی و قابلیت اجرای قواعد پروتکل. از نظر این طرح، چنانچه گروه غیردولتی این شرایط را به طور کامل نداشته باشد پس از تغییر حکومت، مسئولیتی نخواهد داشت؛ در حالی که اگر چنین گروهی موفق به جدایی شود، مسئولیت بین المللی آن مطرح خواهد بود. به عبارت دیگر، این ماده جنبش های شورشی هرگاه شورشیان یا انقلابیون در جنگ پیروز گردند و حکومت قانونی را تشکیل دهند (مانند جنگ داخلی اسپانیا ۱۹۳۹-۱۹۳۶ که با پیروزی نیروهای ملی گرای ژنرال فرانکو خاتمه یافت یا در نتیجه اقدامات آنان کشور جدیدی تاسیس گردد مانند تاسیس کشور الجزایر) در نتیجه اقدامات استقلال طلبان حکومت یا کشور جدید مسئول کلیه اعمال ارتكابی خود هستند بند دوم ماده ۱۰ طرح مسئولیت دولت ها در مواردی که جدایی طلبان موفق به تشکیل کشور جدید می شوند، دولت جدید را مسئول اقدام جدایی طلبان در طول فرایند جدایی می داند و برای این انتساب از اصل «انتساب فعل شورشیان» به دولت جدید استفاده می کند. این بند چنین تقریر شده است: «رفتار یک جنبش، خواه شورشی و خواه غیر آن که موفق به ایجاد دولت جدید در بخشی از قلمرو دولت سابق یا در قلمرو تحت اداره آن می شود به موجب حقوق بین الملل، فعل دولت جدید تلقی می شود» البته به شرطی که خسارات وارده ناشی از عملیات نظامی و جنگی باشد (بند ۱۵ ماده ۱۵ طرح مواد راجع به مسئولیت) دلایل پذیرش مسئولیت کشورها در شکل یاد شده اولاً بر پایه اصل دوام کشورهاست که شناسایی مسئولیت خود تضمینی برای این اصل است.

چنانچه شورشیان موفق به تشکیل دولت جدید نشوند مسئولیت شورشیان ناموفق در دو سطح قابل تصور است. در سطح اول، مسئولیتی است که فرماندهان نظامی و غیرنظامی شورشی به جهت اعمال افراد زیر دست خود دارا هستند و در سطح دوم، مسئولیتی است که افراد خصوصی به نوبه خود دارند. باید توجه داشت آنچه تاکنون در خصوص فرماندهان نظامی و غیرنظامی مطرح شده، مسئولیت بین المللی کیفری است. مسئولیت فرماندهان نظامی اولین بار در کد لیبیر که برای جنگ های داخلی امریکا در سال ۱۸۶۸ تهیه شده بود گنجانده شد. بند ۲ ماده ۸۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون های ژنو مصوب ۱۹۷۷ بیان می دارد که نقض قواعد این پروتکل توسط زیردستان، مانع از تعقیب کیفری و انتظامی فرماندهی نمی شود که با اطلاع از چنین اقدامی، تدابیر لازم برای جلوگیری از آن را انجام ندهد. این مقرر بر خلاف ماده ۸۷ که صحبت از فرمانده نظامی می کند، فقط از عبارت فرمانده استفاده می کند که شامل فرماندهان غیرنظامی مثل رهبران سیاسی نیز می شود. دیوان عالی امریکا با تأیید حکم اعدام یاماشیتا^۲ به علت ارتكاب جرائم جنگی تحت کنترل وی، دکترین یاماشیتا را بنیان گذاشت. طبق این دکترین، صرف اقتدار قانونی فرمانده

۱. این شرایط عبارتند از: تحت کنترل داشتن بخشی از سرزمین، داشتن علامت مشخص، تحت فرماندهی سازمان یافته بودن و قادر بودن به رعایت کنوانسیون

2. superior
3. Yamashita

نظامی برای مسئول دانستن وی کافی دانسته شد. بند ۱ ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به مسئولیت فرماندهان نظامی و غیرنظامی^۱ که به طور مؤثر و نظامی عمل می‌کنند، مانند پلیس و مقامات اجرایی اشاره دارد و بند ۲ همین ماده به فرماندهان غیرنظامی که به طور مؤثر، اما غیرنظامی عمل می‌کنند، مانند رهبران سیاسی، می‌پردازد. این دو مقرر، ارتکاب جرائم جنگی توسط زیردستان را مانع از طرح مسئولیت فرماندهان نمی‌داند.

ماده ۴ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مقرر می‌دارد: «اشخاصی که مرتکب نسل‌کشی و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند مجازات خواهند شد». که با توجه به صراحت ماده مذکور اشخاص مجرم و مرتکب نسل‌کشی ناپستی الزاماً دولتی باشند بلکه اشخاص عادی نیز می‌توانند مشمول مجازات باشند و برابر ماده ۱ از کنوانسیون مذکور کلیه دولت‌های عضو متعهد هستند نسبت به پیشگیری از این امر مبادرت ورزند. هرچند طرح مسئولیت کیفری نیاز به احراز شخصیت بین المللی ندارد، اما برای طرح مسئولیت غیرکیفری لازم است که بازیگر مورد تعقیب از شخصیت بین المللی برخوردار باشد. لذا برخی مفهوم «ذهنیت بین المللی»^۲ را مطرح کرده اند^۳ که طبق آن، یک موجودیت در صورتی موضوع حق و تکلیف غیر کیفری قرار می‌گیرد که از شخصیت حقوقی بین المللی برخوردار باشد شخصیت فعال برای داشتن حق و شخصیت منفعل برای داشتن تکلیف. در هر حال، طرح مسئولیت بازیگران خصوصی، نه تنها از طریق هنجارهای لازم الاجرای حقوق بین الملل، بلکه از طریق مجاری حقوق ملی امکانپذیر است.^۴

گفتار دوم: مسئولیت حقوقی و کیفری کشورهای حامی

برای تبیین مسئولیت حقوقی و کیفری کشورهای حامی، بدو می‌بایست به این سوال پاسخ دهیم که آیا حمایت از گروه‌های تکفیری از سوی دول غربی و عربی به اندازه‌ای است که بتوان این اقدامات را منتسب به این دولت‌ها دانست؟ در این حالت اقدام تروریست‌های تکفیری گویی اقدام خود این کشورها است. در صورت انتساب اقدامات این جریان به دولت‌های حامی مخاصمه مسلحانه، با یک مخاصمه بین المللی مواجه خواهیم بود.

از زمان شروع درگیری‌ها در سوریه از سال ۲۰۱۱ کشورهای غربی و عربی به حمایت از شورشیان سوریه اقدام کردند که اوج این حمایت در شناسایی ائتلاف مخالفان سوریه از سوی ۱۳۰ کشور بود. با ظهور داعش فصل جدیدی آغاز شد که به احتمال می‌رفت که کشورهای غربی و عربی به دلیل فعالیت

۱. این ماده از واژه command برای فرمانده نظامی و از واژه authority برای فرمانده غیرنظامی استفاده می‌کند.
international subjectivity

2. Nicolas Carrillo Santarelli, op. cit.

3. Steven R. Ratner, "Corporations and Human Rights: a Theory of Legal Responsibility", The Yale Law Journal,

تروریستی از آنها حمایت نکنند. هرچند ائتلاف بین المللی ضد داعش شکل گرفت اما شواهد بیانگر حمایت برخی کشورها از این جریان تکفیری است.

از نظر جمعیت علمای اسلامی عراق کشورهای عربستان سعودی، تونس، الجزایر، مغرب، مصر و لیبی حامیان داعش محسوب می شوند. یکی از معاونان خزانه داری آمریکا نیز نام اشخاصی که از داعش حمایت مالی می کنند را منتشر کرده است که عموماً از عربستان هستند. اما بهترین مرجع شناخت کشورهای حامی جریان تکفیری کشورهای هدف اقدامات تروریستی این جریان به عنوان کشورهای ذی نفع است یعنی عراق، سوریه، ایران و حزب الله لبنان. از نظر آنها دولت هایی چون آمریکا، عربستان، قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی حامیان اصلی داعش هستند.

طبق ماده ۲ طرح مسوولیت بین المللی دولت ها «فعل متخلفانه بین المللی دولت هنگامی محقق می شود که رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل، بموجب حقوق بین الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و بعنوان نقض تعهد بین المللی آن دولت تلقی شود.» لذا برای بررسی مسوولیت این دولت ها ابتدا موضوع انتساب و سپس تخلفات بین المللی آنها بررسی می شود.

بند اول: انتساب اقدامات جریان تکفیری به دولت های حامی

در اینجا پرسش این است که آیا حمایت از گروه های تکفیری از سوی دول غربی و عربی به اندازه ای هست که بتوان این اقدامات را منتسب به این دولت ها بدانیم؟ در این حالت اقدام تروریست های تکفیری گویی اقدام خود این کشورهاست. در صورت انتساب اقدامات این جریان به دولت های حامی مخاصمه با یک مخاصمه بین المللی مواجه خواهیم بود. در مجموع معیارهای مختلفی در حقوق بین الملل برای انتساب عمل بازیگران غیردولتی به دولت معرفی شده است که برخی از آنها عبارتند از کنترل موثر، کنترل عمومی، موارد مذکور در مواد ۴ تا ۱۱ طرح مسوولیت بین المللی دولت ها و معیار حمایت و پناه دادن به تروریست ها در قطعنامه های ۱۳۶۸ (۲۰۰۱) و ۱۳۷۳ (۲۰۰۶) شورای امنیت و پیوند کافی در سازمان تجارت جهانی!

معیار کنترل عمومی برای تعیین وضعیت مخاصمه (بین المللی بودن یا نبودن مخاصمه) و همچنین برای انتساب عمل گروه سازمان یافته آن هم در موضوعات کیفری مطرح شده است لذا در این موضوع جایگاهی ندارد. معیار کنترل موثر در پیوند میان ماده ۸ و رای دیوان در قضیه نیکاراگوئه این نتیجه را به دست می دهد که شامل مواردی چون دستور و هدایت و کنترل در «هر اقدام خاص» به نوعی باشد که اگر آنها نبود آن اقدام محقق نمی شد. در این حالت آن یک اقدام خاص (و نه همه اعمال) به دولت خارجی منتسب می گردد. نگرش سخت گیرانه در این معیار مانع از آن می شود تا اقدامات داعش به دولت های حامی منتسب گردد.

۱. ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳) همان، ص ۸۶

اما معیار دیگری که برای گروه های تروریستی مطرح شده است معیار پناه دادن^۱ است. آیا پناه دادن به یک گروه تروریستی موجب انتساب عمل آنها به دولت حامی خواهد شد؟ در این مورد باید توجه داشت که مفاد قطعنامه های ضد تروریستی چنین مضمونی ندارند و فقط به دولت قربانی اجازه اقدام ضروری علیه کشورهای پناه دهنده به تروریست ها را داده است. به عبارت دیگر این معیار تنها در توسعه قلمروی دفاع مشروع نقش داشته است. با این حال حمایت کشورهای غربی و عربی از جریان تکفیری تعهداتی از این کشورها را نقض کرده است.

بند دوم: معاونت در ارتکاب جرایم مغایر بین المللی

در چهارچوب فصل چهار طرح پیش نویس تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در ارتباط با عمل دولت دیگر» ماده ۱۶ تحت عنوان «کمک یا معاونت در ارتکاب عمل متخلفانه مقرر بین المللی» می دارد: «دولتی که به ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی توسط دولتی دیگر کمک یا یاری می رساند اگر با آگاهی از اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین المللی چنین کمکی را ارائه کند و عمل متخلفانه بین المللی از سوی کشور مورد کمک ارتکاب یابد، از لحاظ بین المللی برای چنین اقدامی (کمک یا معاونت) مسئول است.^۲

بند سوم: نقض تعهد به مسئولیت های بین المللی

حمایت از جریان تکفیری موجب نقض تعهدات بین المللی زیر شده است:
نقض تعهد به پیشگیری مسئولیت بین المللی به جهت نقض تعهد به تلاش معقول برای جلوگیری از اعمال شورشیان (نقض اصل تعهد به پیشگیری) در قضیه بوسنی علیه صربستان پذیرفته شده. در رابطه با مبارزه با تروریسم اسناد بین الملل مختلفی مانند کنوانسیون بمبگذاری تروریستی مورخ ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم مورخ ۱۹۹۹ تعهد به پیشگیری و تضمین وجود دارد.
در این رابطه باید گفت عملکرد برخی دولتها با ابهام مواجه است: ترکیه از یک سو پناهندگان سوری را می پذیرد از سوی دیگر با حمله به کوبانی توسط داعش مدارا میکند. در واقع نقض تعهد به پیشگیری می تواند به مثابه اقدام دارای مسئولیت های حقوقی و کیفری باشد. برخی از مصادیق نقض تعهد در پیشگیری به شرح ذیل ارائه می گردد:

1. harboring

۲. ضیایی، یاسر همان پیشین، ص ۸۸

الف: توسل به زور

هرچند حمایت از این تروریست ها مصداق تجاوز و حمله مسلحانه نیست اما دیوان بین المللی دادگستری در بند ۲۰۵ رأی خود در قضیه نیکاراگوئه بخشی از قطعنامه ۲۶۵۲ مجمع عمومی راجع به اعلامیه اصول حقوق بین الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری بین دولت ها را اینگونه تفسیر می کند که هرگونه کمک به شورشیان که متضمن استفاده از زور باشد ناقض اصل توسل به زور است.

ب: مداخله در امور داخلی

در قضیه نیکاراگوئه هرچند اقدام شورشیان کنترا به امریکا منتسب نشد اما حمایت از آنها مداخله در امور داخلی تلقی شد. دیوان در قضیه نیکاراگوئه «استخدام نیرو، آموزش، سازماندهی، کمک رسانی، تجهیز و حتی تشویق، حمایت، یاری رساندن و هدایت عملیات های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه» را مداخله در امور داخلی دانست. باید توجه داشت از آنجایی که هیچ دولتی جریان تکفیری را به رسمیت نشناخته است هیچ نوع حمایتی از آنها مشروع نخواهد بود!

ج: حمایت از تروریسم بین المللی

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری تروریسم بین المللی محسوب می شود. این ماده چنین مقرر می دارد: کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است.^۲ هرچند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست، اما کشورهای متبوع اعضای داعش و کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آنها را داشته باشند.

این پرسش باقی است که حمایت رسمی و دولتی عربستان از عقاید عبدالوهاب و ابن تیمیه که ریشه های عقیدتی تروریسم است این دولت را تبدیل به یک دولت حامی تروریسم^۳ تبدیل می کند؟ اعلامیه محو تروریسم بین المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۹۹۴ تروریسم را صرف نظر از ماهیت مرتکب محکوم کرده است. همین نظر توسط کارگروه ویژه مجمع برای طرح پیش نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا می توان گفت در این مورد با پدیده تروریسم دولتی مواجه هستیم هرچند حقوق بین الملل سازوکارهای مناسب برای برخورد با آن را پیش بینی نکرده است و تنها برخی کشورها به طور یکجانبه در قوانین خود به تروریسم دولتی استناد کرده اند.

۱. ضیایی یاسر، همان پیشین، ص ۸۹

2. Any other act intended to cause death or serious bodily injury to a civilian, or to any other person not taking an active part in the hostilities in a situation of armed conflict, when the purpose of such act, by its nature or context, is to intimidate a population, or to compel a government or an international organization to do or to abstain from doing any act

3. state-sponsored terrorism

د. معاونت در نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی

هرچند این کشورها خود مرتکب جنایت جنگی نشده اند اما تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشیان سوریه و کمک نظامی و مالی به داعش می تواند مصداق معاونت مذکور در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری باشد.

ه. نقض تعهد به پیشگیری

مسئولیت بین المللی به جهت نقض تعهد به تلاش معقول برای جلوگیری از اعمال شورشیان (نقض اصل تعهد به پیشگیری) در قضیه بوسنی علیه صربستان پذیرفته شد. در رابطه با مبارزه با تروریسم اسناد بین المللی مختلفی مانند کنوانسیون بمبگذاری تروریستی مورخ ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مورخ ۱۹۹۹ تعهد به پیشگیری و تضمین وجود دارد. در این رابطه باید گفت که عملکرد برخی دولت ها با ابهام مواجه است: ترکیه از یکسو پناهندگان سوری را می پذیرد و از سوی دیگر در حمله به کوبانی توسط داعش مدارا می کند.

و: نقض حق تعیین سرنوشت

در حالی که طبق رای دیوار حایل کشورها ملزم به عدم همکاری با ناقض حق تعیین سرنوشت هستند این کشورها به داعش در نقض حق تعیین سرنوشت سوریه و عراق کمک می کنند در حالی که نظام سیاسی عراق و سوریه پشتوانه آرای مردمی را به همراه دارد.

ز: عدم تعهد به پیشگیری از جرم نسل کشی:

در چهارچوب فصل چهار طرح نویس پیش تحت عنوان «مسئولیت یک دولت در ارتباط با عمل دولت دیگر» ماده ۱۶ تحت عنوان «(کمک یا معاونت در ارتکاب عمل متخلفانه مقرر بین المللی) می دارد: «دولتی که به ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی توسط دولتی دیگر کمک یا یاری می رساند اگر با آگاهی از اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین المللی چنین کمکی را ارائه کند و عمل متخلفانه بین المللی از سوی کشور مورد کمک ارتکاب یابد، از لحاظ بین المللی برای چنین اقدامی (کمک یا معاونت) مسئول است. همچنین طبق برابر ماده ۱ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو و ماد ۱ پروتکل الحاقی اول به این کنوانسیون ها نیز دولت ها نه تنها خود نباید قواعد حقوق بشردوستانه را نقض کنند، بلکه باید نهایت تلاش خود را به منظور تضمین اینکه قواعد حقوق بشردوستانه توسط همه رعایت می شود، به انجام رسانند.^۱

1. Jean - Marie Henckarets and Louise Doswald - Beck. 2005. Customary International Humanitarian Law. London, CambridgeUniversity Press. , 2005: 510

بر اساس ماده ۱ معاهده پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸: «دولت های متعاقد اذعان می کنند، که نسل کشی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، از جمله جنایات در حقوق بین الملل است و متعهد می گردند از آن پیش گیری کنند و عاملان را مجازات نمایند.» و برابر ماده ۸ از معاهده مذکور «هر یک از متعاهدین می توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات نسل کشی یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد».

ح: نقض تعهد در ارسال سلاح و تجهیزات جنگی:

ارائه کمک برای نقض حقوق بین الملل بشردوستانه، در عمل، معمولاً به صورت کمک تسلیحاتی صورت می گیرد، تا جایی که استفاده از سلاح های مزبور منع نشده است. کشور ارائه کننده تسلیحات، مسئول نقض های حقوق بشردوستانه ای که با استفاده از این تسلیحات توسط کشور دریافت کننده صورت می گیرد، نیست ولی به هر حال، همین که دولت ارائه کننده تسلیحات بداند که کشور دریافت کننده با استفاده از آن سلاح ها، به طور سیستماتیک مرتکب نقض حقوق بین الملل بشردوستانه می شود، باید انتقال و ارائه سلاح را به کشور دریافت کننده متوقف کند؛ حتی اگر آن سلاح ها قابلیت استفاده مشروع و قانونی را نیز داشته باشند. در واقع، همین که کشور ارائه کننده سلاح از ارتکاب این نقض ها مطلع شود، مطمئناً کمک های بعدی به منظور تسهیل ارتکاب نقض های بعدی صورت می گیرد. کشوری که با اطلاع از نقض های سیستماتیک حقوق بین الملل بشردوستانه از سوی کشور دیگر، همچنان به کمک خود به آن کشور در خصوص تجهیز تسلیحاتی ادامه می دهد، تعهد به تضمین احترام لازم به قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را نقض میکند. تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشان سوریه و کمک مالی و نظامی به داعش میتواند مصداق معاونت مذکور در ماده ۳۵ اساسنامه دیوان بین الملل کیفری باشد.

ط: نقض تعهد در همکاری در نقض فاحش:

کشورها می بایست طبق ماده ۴۱ در زمان نقض های جدی، همکاری به منظور خاتمه بخشیدن به نقض های مزبور را انجام دهند که این همکاری کشورها باید از راههای قانونی باشد به خاطر تنوع شرایط ماده ۴۱ مشخص نمی سازد این همکاری چه شکلی باید داشته باشد و یا این که کشورها چه اقداماتی را باید در زمان نقض انجام دهند، ولی کمیسیون حقوق بین الملل در نظرات تفسیری خود مقرر می دارد، همکاری می تواند در چهارچوب سازمان های بین المللی ذی صلاح مخصوصاً سازمان ملل متحد سازماندهی می شود، البته، عبارت پردازی ماده ۴۱ به نحوی است که امکان اقدام به صورت همکاری غیرسازمان یافته را نیز متصور می سازد. در حوزه حقوق بشردوستانه، ماده ۸۹ پروتکل الحاقی اول، کشورهای متعاقد را مکلف می سازد در موقع نقض های جدی کنوانسیون های چهارگانه ژنو و

پروتکل الحاقی مزبور، به صورت انفرادی یا دسته جمعی با همکاری سازمان ملل و طبق منشور ملل متحد اقدام کنند. در چهارچوب این ماده که با مطرح کردن طرفین متعاقد به جای طرفین مخاصمه به اجرای پروتکل اول الحاقی دایره شمول گسترده تری می‌دهد^۱، اقدام شورای امنیت بر طبق فصل هفت منشور است. شورای امنیت، این کار را در خصوص عراق، سومالی و یوگسلاوی سابق انجام داده است. شکل دیگر اقدام جمعی در چهارچوب سازمان ملل متحد، بیان اعتراض در قالب قطعنامه های مجمع عمومی است.^۲

ی: حمایت کشورها:

از آنجایی که هیچ دولتی جریان تکفیری را به رسمیت نشناخته هیچ نوع حمایتی از آنها مشروع نخواهد بود. حمایت از جریان تکفیری جلوه های مختلفی دارد:

حمایت عقیدتی: جریان تکفیری مولد تفکرات وهابیت در عربستان است. دانشگاه های الیمان در یمن و ملک عبدالله در افغانستان نمونه ایی از این سرمایه گذاری است.

حمایت مالی: وزیر توسعه آلمان کشور قطر را حامی مالی می داند و نوری مالکی نیز قطر و عربستان را متهم معرفی کرده است.

حمایت نظامی: چندی پیش خبر تخلیه بارهای نظامی توسط هواپیماهای امریکا در مناطق موصل و جلولا و کوبانی منتشر شد و قبل از آن سلاح های ترکیه ای در میان سلاح های گزارش شده بود. تحویل سلاح کشتار جمعی به شورشان سوریه و کمک مالی و نظامی به داعش میتواند مصداق معاونت مذکور در ماده ۳۵ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری باشد.

حمایت رسانه ای: تحریم رسانه ای سوریه و از طرف دیگر مصاحبه با عناصری از شورشیان سوریه و اخیرا با اعضای داعش توسط بی بی سی از این جمله است.

اعلامیه محو تروریسم بین المللی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مورخ ۱۹۹۴ تروریسم را صرف نظر از ماهیت مرتکب محکوم کرده است. حمایت رسمی و دولتی عربستان از عقاید عبدالوهاب و ابن تیمیه که ریشه های عقیدتی تروریسم است این دولت تبدیل به یک دولت حامی تروریسم تبدیل میکند. همین نظر توسط کارگروه ویژه مجمع برای طرح پیش نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. لذا میتوان گفت در این مورد با پدیده تروریسم دولتی مواجه هستیم. در عرف بین الملل در تعریف تجاوز، صراحتاً اعزام نیروهای مسلح، گروه ها، چریک ها و مزدوران را توسط از جانب یک دولت برای انجام عملیات قهری علیه دولت دیگر، جزء مصادیق تجاوز معرفی کرده است.^۴ تکفیری ها، به

1. Kalshoven, First. 2007. Reflection on the Law of War, Martnus Nijhof Publishers 2007: 619

2. Kalshoven,

3. state sponsored terrorism

4. Wolfgang Bendek Alice Yotopoulos- marang opoulos, European Training Research Center for Human Rights and Democracy, 2004.

ویژه سلفی ها، که ظاهراً در سرزمین برخی از کشورهای عربی آموزش داده شده، و حمایت و پشتیبانی می شوند، ممکن است در برخی موارد، موجبات مسئولیت بین المللی دولت حامی و پشتیبان خود را فراهم آورند. قطعنامه ۱۳۷۳ که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط شورای امنیت به تصویب رسید، ابراز می دارد: هر گونه حمایت فعال یا منفعل از دولت های تروریستی باید ممنوع شود و حمایت های مالی از تروریسم نیز ممنوع اعلام شده است. قطر نقش مرموزی را در تحولات جدید منطقه بازی کرده است. یکی از کشورهایی است که جریان سلفی را رهبری می کند. مذهب رسمی این کشور وهابی است، اما در ضدیت و رقابت با عربستان سعودی است. در قطر رهبرانی مانند قرضاوی هستند که سلفی اجتهادی هستند که با وهابیت عربستان بسیار فرق دارند. اگر تهدیدی از ناحیه ایران احساس نکنند، مایل هستند خود را از زیر سایه عربستان خارج کنند. به همین دلیل سیاست خارجی ایران باید به آن جا توجه بیشتری داشته باشد.^۵ در راستای حمایت از سیاست خشونت، قطر، عربستان و ترکیه پایگاه هایی را برای آموزش و اعزام افراد (تکفیری و غیر تکفیری) به خاک سوریه ایجاد کردند. این افراد از کشورهای مختلف اسلامی و عربی هستند که به دست نظامیان آمریکایی و ترک آموزش دیده اند، سپس برای اجرای نقشه های خود، عازم سوریه شده و در قبال این اقدام، حقوق بالایی دریافت می کردند. هم چنین ایستگاه هایی برای انتقال سلاح به داخل سوریه نیز در نظر گرفته شده بود، که یکی از آن ها در منطقه تحت نفوذ سعد حریری رئیس جریان المستقبل لبنان و سمیر جعجع سیاست مدار لبنانی در بیروت است که هزینه مالی آن را عربستان و قطر تامین می کردند.^۶

ک: کمک مالی به تکفیریان:

یکی از راه های مبارزه با تروریسم، مبارزه در هدف قرار دادن محل های تامین مالی تروریسم است. سازمان ملل و شورای امنیت قطع نامه های متعددی در تحریم و ممانعت از کمک های مالی تروریسم، را مورد تصویب قرار داده است که از آن موارد می توان به قطعنامه های ذیل اشاره نمود:

- قطعنامه ۱۲۶۷ – مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ در مورد انسداد منابع مالی طالبان.
- قطعنامه ۱۳۳۳ – مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰ در مورد انسداد منابع مالی اسامه بن لادن و القاعده.
- قطعنامه ۱۳۶۳ – مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ در مورد ایجاد راه کارهای نظارت بر قطعنامه های ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳.
- قطعنامه ۱۳۷۳ – مورخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در مورد تهدیداتی که به واسطه عملیات تروریستی متوجه صلح و امنیت جامعه جهانی شده و تشکیل کمیته مقابله با تروریسم.

۱. داوود فیرحی، « مسائل جهان اسلام و تحولات اخیر کشورهای عربی از نقطه نظرات مختلف».

swen/ af/ ri. sserpnomeL/ ۲۹۸۰۴

۲. «قطر در رؤیای دستیابی به قدرت منطقه ای»، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۹۰ / ۹ / ۲۳

wohs/ tmetnoc/ af/ ten. hagsab. www//: ptth /۹۲۹۴۱.

– قطعنامه ۱۳۷۷ – مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ در مورد درخواست از کشورها مبنی بر اجرای کامل قطعنامه ۱۳۷۳.

– قطعنامه ۱۳۹۰ – مورخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۲ در مورد ادغام اقدامات قطعنامه ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳.

– قطعنامه ۱۴۵۲ – مورخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ در مورد استثنائات انسداد وجوه مقرر در قطعنامه ۱۲۶۷ و ۱۳۳۳ در خصوص پوشش، هزینه های ضروری مثل غذا، اجاره، خدمات حقوقی.

– قطعنامه ۱۴۵۵ – ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۳ در مورد اقداماتی در خصوص اجرای بهتر انسداد وجوه مقرر در قطع نامه های شماره ۱۲۶۷، ۱۳۳۳ و ۱۳۹۰.

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون منع تامین مالی تروریسم اقدامات این جریان تکفیری تروریسم بین المللی محسوب می شود این ماده چنین مقرر می دارد:

کمک مالی به تروریسم طبق این کنوانسیون و پناه دادن به آنها طبق قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ تخلف بین المللی است. هر چند تروریسم یک جرم مشمول صلاحیت جهانی نیست اما کشورهای محل فعالیت آنها متعهدند که مجازات انگاری لازم برای تعقیب آن ها را داشته باشند.

بر اساس بند ۱ قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل، تامین مالی گروه های تروریستی^۲ ممنوع است. مورد مذکور با توجه به مواد ۲۵ و ۴۸ منشور سازمان ملل متحد برای کلیه کشورها الزامی است.

شورای امنیت سازمان ملل پس از گذشت قریب به ۱۲ سال از ارتکاب جنایات تروریستی تکفیریان در منطقه و سکوت طولانی مدت به دلیل فشار افکار عمومی و برخی از کشورها و اعتراضات مستمر و متوالی رئیس جمهوری وقت عراق، ناگزیر شد قطعنامه ۲۱۶۹ – مورخ ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) را به تصویب برساند. این قطعنامه نکات متعددی وجود دارد که دیدگاه شورا و اعضای دائم را در خصوص وضعیت امنیتی جاری عراق و همچنین آینده امنیت این کشور و منطقه در قبال فعالیت های داعش، نشان می دهد. البته شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ نتوانست در مورد ماهیت اقدامات داعش در عراق در قالب مفهوم «جنایات بین المللی» به ویژه جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اتخاذ تصمیم نماید. اگرچه همانگونه که گفته شد تروریسم مصداق بارز تهدید علیه صلح جامعه بین المللی است و شورای امنیت مکلف است با توجه به اختیارات حاصله از منشور سازمان ملل نسبت به توقف و پیشگیری سریع از توسعه تروریسم عمل نماید ولی در عمل علیرغم شناسایی تکفیریان در مناطق تحت سلطه به عنوان تروریسم، در قطعنامه ۲۱۶۹ هیچگونه اشاره ای به توقیف یا مسدود شدن حساب های مالی نشده بلکه به موجب قطعنامه ۲۱۷۰ خود بر ضد گروهک تروریستی داعش، که به پیشنهاد بریتانیا مطرح شده بود، شورای امنیت با تکیه بر قطعنامه ۲۱۷۰ آمادگی خود را برای قرار دادن اسامی آنان و تامین کنندگان مالی و تسلیحاتی آنها در

1. Financing of terrorist acts.

۲. ماده ۲۵ منشور سازمان ملل: «اعضاء ملل متحد موافقت می نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند».

۳. ماده ۴۸ منشور سازمان ملل: «اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمانهای بین المللی مربوط که عضو آن هستند تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد».

فهرست تحریم های مشمول شبکه القاعده، اعلام کند و این علیرغم قطعنامه های سابق در برخورد و اقدام جدی مبارزه با تروریسم، اقدام موثری نمی باشد و اگرچه در این قطعنامه از کشورهای جهان درخواست شده است که بر اساس قطعنامه ۱۳۷۳، از هرگونه تامین مالی برای اقدامات تروریستی جلوگیری کنند و مانع فراهم شدن حمایت مالی و سربازگیری گروه های تروریستی شوند ولی به صورت درخواستی (call) است نه الزامی (shall).

با فشار زیاد افکار عمومی در قدم بعدی شورای امنیت سازمان ملل به تروریسم تکفیری با نگاه جدی تری پرداخت که نتیجه آن تصویب قطعنامه ۲۱۷۸ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ است. این قطعنامه که توسط دولت آمریکا به شورا پیشنهاد شده بود هر چند به برخی از محورهای موردنظر راهبرد اوباما علیه داعش یعنی ظرفیت سازی در دولتهای در معرض خطر داعش به منظور جلوگیری از رشد این گروهها اشاره کرده اما اجازه اقدامات یکسویه برای مقابله با تروریسم را نداده است و آنها را مقید به رعایت موازین بین المللی و تمامیت ارضی دولتهای مذکور نموده است. کارکرد این قطعنامه به منزله تضمین حصر گروههای تروریستی در منطقه است. به واقع، مرکز ثقل این قطعنامه، قطع خطوط ارتباط افراد در سایر کشورها با گروه تروریستی داعش و النصره یعنی مانع شدن از عضویت آنها در این گروه های تروریستی است و نه نابودسازی گروه های مذکور. همچنین جنبه های ضد داعشی این قطعنامه بسیار کمتر از جنبه های کلی آن است. در واقع، این قطعنامه عمدتاً به عنوان یک قطعنامه علیه تروریسم است و نه علیه داعش. این در حالی است که قطعنامه های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ به صورت خاص علیه داعش و النصره تدوین شده بودند. در نهایت نیز در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان برای افزایش فشار بر تروریست ها، با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ پیشنهادی روسیه، ضمن ممنوع کردن تجارت آثار باستانی سوریه، خریداران نفت از گروه های تروریستی داعش و جبهه النصره را به اعمال تحریم تهدید کرد. شورای امنیت همچنین از همه کشورها خواست در ازای آزادی گروگان های دربندشان به تروریست ها باج ندهند. این قطعنامه که به اتفاق آراء به تصویب رسید، به لحاظ قانونی الزام آور است و به شورای امنیت اختیار می دهد تصمیم های مربوط به تحریم های اقتصادی را تصویب کند، اما همچنان متوسل شدن به نیروی نظامی را مجاز نمی داند.

ل: عدم اقدام به موقع در مقابل تروریسم:

اگرچه اقدامات جنایت کارانه تکفیریان در مناطق تحت سلطه به حدی مغایر ابتدایی ترین اصول رعایت و حفظ حقوق بشری است که کمتر تردیدی در سوق تکفیریان به سمت تروریسم است و این اقدامات به شکل گسترده ای در سال ۲۰۰۱ در سوریه در حال اتفاق بود ولی شورای امنیت دیر هنگام اقدام به صدور قطعنامه شماره ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ (۸ مرداد ۱۳۹۳) نمود. برابر بند سوم قطعنامه ۱۳۷۳ هر نوع

1. United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169.

عمل تروریستی، صلح و امنیت بین المللی را تهدید می نماید و شورای امنیت برابر ماده ۲۴ از فصل پنجم منشور سازمان ملل مکلف است در موارد تهدید صلح و امنیت بین المللی، اقدام نماید.^{۱۱}

بند سوم: نقض تعهدات کنوانسیون ۱۳۷۳

در بند ۲ (الف) قابل ملاحظه می باشد: «کلیه دولتها باید از هرگونه حمایت فعال یا منفعل از واحدها یا اشخاص مرتبط با اعمال تروریستی پرهیز نمایند». بنابراین وجود معیارهای پیشگیرانه مقرر در زیر بند ۲ (ز) ضمن تقویت امنیت داخلی و بین المللی، منجر به ایجاد یک راهبرد مؤثر کنترل مرزی می گردد. زیر بند اخیر مقرر می دارد: «کلیه دولت ها باید از رفت و آمد تروریست ها یا گروه های تروریستی در مرزهای تحت کنترل خویش جلوگیری کرده و در صدور اسناد هویت و مسافرت کنترل های لازم را اعمال کنند».

گفتار سوم: اقدامات شورای امنیت در مورد گروه های تکفیری (در سوریه)

۵۸ عضو سازمان ملل در نامه مشترکی پیش نویس قطعنامه ای را به شورای امنیت این سازمان ارسال داشته و خواسته اند تا احتمال وقوع جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در جنگ داخلی سوریه را برای رسیدگی به دادگاه کیفری بین المللی ارجاع کند. یش نویس قطعنامه توسط فرانسه تهیه شده و نماینده فرانسه در سازمان ملل از شورای امنیت خواسته است این پیشنهاد در جلسه شورای امنیت مطرح و به رای گیری گذاشته شود.

نماینده سوئیس گفته است که بر اساس شواهد موجود و تحقیقاتی که توسط نهادهای مرتبط با سازمان ملل صورت گرفته در جریان جنگ داخلی سوریه نیروهای دولتی شبه نظامیان وابسته به دولت و برخی گروه های مسلح مخالف به خصوص اسلامگریان تندرو، مرتکب اقداماتی شده اند که به احتمال زیاد از مصادیق جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت بوده است. سفیر سوئیس تاکید ورزید پیش نویس قطعنامه پیشنهادی مشخصا هیچک از طرف های درگیری را هدف نمی دهد بلکه منظور مجازات مرتکبین اینگونه جنایات در هر دو طرف و همچنین هشدار به دیگران است در پیشنهاد ارائه شده به شورای امنیت نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و قوانین بشر دوستانه بین المللی در نظامیان طرفدار دولته شدت محکوم شده اند.

۱. ماده ۲۴ منشور سازمان ملل: «به منظور تامین اقدام سریع و موثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار می نمایند و موافقت می کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آنها اقدام نماید».

مبحث چهارم: مجازات تکفریان و دولت های حامی

حال با توجه به موارد بالا در این قسمت می خواهیم به بررسی برخی ظرفیت های بین المللی برای برخورد با این جنایات بپردازیم:

گفتار اول: با استفاده از ظرفیت دیوان کیفری بین المللی

دادگاه کیفری بین المللی بر اساس معاهده رم، موسوم به قانون ایجاد دادگاه کیفری بین المللی، تأسیس شد. این پیمان از سال ۲۰۰۲ جنبه اجرایی یافت. هدف از تأسیس این دادگاه برخورد قضایی با مرتکبان جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت در انطباق با اهداف و آرمان های اولیه سازمان ملل متحد است. در صورتی که چنین جرایم و جنایاتی در کشورهای امضاکننده معاهده روی دهد، دادستانی دادگاه، این موارد را پی گیری و در صورت لزوم، دادگاه حکم پی گرد متهمان را صادر می کند. اما در خصوص سایر کشورها، آغاز روند قضایی مستلزم صدور قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل است. در حال حاضر، بیش از یکصد و بیست کشور جهان رسماً به این پیمان پیوسته اند. به موجب ماده ۵ اساس نامه جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی، دیوان در چهار جرم صلاحیت رسیدگی خواهد داشت: ۱. نسل کشی؛ ۲. جرایم علیه بشریت؛ ۳. جرایم جنگی؛ ۴. تجاوز^۱.

اگرچه بر اساس ماده ۱۳، فقط به دولت های عضو حق داده شده است که وضعیتی را به دیوان ارجاع دهند؛ به عبارت دیگر، ارجاع یک امر به دیوان از سوی دولت غیرعضو بی معناست و دیوان را موظف به رسیدگی نخواهد کرد، ولی بر اساس ماده ۱۲ از اساس نامه مذکور، در صورتی که ارجاع کننده وضعیت، دولت عضو یا دادستان باشد با ارجاع کننده شورای امنیت متفاوت است. این اختیار شورای امنیت بر اساس اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور ملل متحد می تواند به اقداماتی که برای صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. هرچند این امتیاز برای جامعه جهانی وجود دارد که اگر کشوری عضو اساس نامه دیوان بین المللی کیفری نباشد از طریق شورای امنیت به موضوع رسیدگی شود ولی شورای امنیت بر اساس ماده ۱۶ از اساس نامه مذکور حق دارد از دیوان بخواهد که تحقیق یا تعقیب امری را تا ۱۲ ماه معلق کند و این درخواست می تواند تا ۱۲ ماه مجدداً تعویق شود. در واقع شورای امنیت به نوعی دارای حق وتوی موقت است.

گفتار دوم: با استفاده از ظرفیت صلاحیت جهانی

مفهوم «صلاحیت جهانی» (۳۹) را اولین بار کاولز (۴۰) در ۱۹۴۵ به کار برد. به نظر وی، برخی جرایم وجدان جهان متمدن و عموم مردم را آزرده می کند. لذا منافع دولت ها ایجاب می کند که مرتکبان جرایم

۱. عبداللہی، محسن و فاطمه کیهانلو، (۱۳۸۴) سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل، معاونت پژوهش، تدوین، تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول، ص ۴۳

مذکور را مجازات کنند. (۴۱) به نظر می‌رسد چهار گروه از جرایم در حوزه صلاحیت بین‌المللی قرار می‌گیرد.^{۱۳}

الف. تجاوز

به موجب بند ۱ ماده ۵ اساس‌نامه، رسیدگی به جرم تجاوز در صلاحیت دیوان قرار گرفته است. در واقع کشور مورد تجاوز باید ابتدا نسبت به کشور خود اعمال صلاحیت قضایی کند. سپس دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت ورود دارد (بند ۲ ماده ۵).

ب. نسل‌کشی

ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص نسل‌کشی مقرر کرده است که مرتکبان نسل‌کشی باید از طریق دادگاهی که جرم در حوزه آن ارتکاب یافته، یا از طریق دادگاه کیفری محاکمه شوند.

ج. جرائم جنگی

جرائم جنگی را تحت دو عنوان می‌توان مطرح کرد؛ گروه اول مواردی است که می‌تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مطرح شود (مربوط به وضع بیماران و مجروحان و بیماران نیروهای مسلح در میدان جنگ؛ کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛ کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ) بر اساس مواد ۴۹ از کمیسیون یکم و ماده ۱۲۹ از کمیسیون سوم و ماده ۱۴۶ از کنوانسیون چهارم دولت‌ها مکلف‌اند:

هر یک از متعهدین مکلف‌اند کسانی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات مهم هستند تحت تعقیب قرار دهند و آن‌ها را از هر ملیتی هستند تسلیم دادگاه‌های خود کنند. همچنین اگر ترجیح دهند و با قوانین داخلی خودشان هم مغایرتی نداشته باشد می‌توانند آن‌ها را برای محاکمه به طرف متعاقد دیگری که ظاهراً پرونده‌های در مورد جرم تشکیل داده است به منظور محاکمه تحویل دهند.

گروه دوم از جرایم جنگی، تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های ژنو و تخلفات مهم دیگر از قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است. این تخلفات به طور سنتی به عنوان جرایمی که در حوزه صلاحیت بین‌المللی و جهانی قرار دارد شناخته نشده است. بر اساس قطع‌نامه شماره ۱۹۹۹/۱ مورخ ۶ آوریل ۱۹۹۹، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد «... همه گروه‌ها... در منازعه بین‌المللی که ویژگی بین‌المللی ندارد، گروگان‌گیری، قتل عمدی، شکنجه، رفتار غیرانسانی با افرادی که در درگیری‌ها شرکت فعال نداشته‌اند به عنوان تخلف بزرگ (۴۲) حقوق بی‌الملل بشردوستانه تلقی

۱. شاه کرمی، نیما؛ خزدرو، سمیه (۱۳۹۳). حقوق بشر و جریان‌های تکفیری، دانشکده حقوق، دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه علوم انتظامی امین، ص ۱۱

می‌شود و همه کشورها تعهد دارند متهمین به ارتکاب این دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کنند». بنا بر گزارش دیده‌بان حقوق بشر، سازمان داعش در درگیری‌های نظامی خود از کودکان و نوجوانان استفاده می‌کند. این گزارش بر پایه اطلاعاتی که ۲۵ نهاد عرضه کرده‌اند تنظیم شده است. در این گزارش نه تنها داعش متهم به استفاده نظامی از کودکان شده است، بلکه گروهک‌ها و سازمان‌های دیگری از جمله جبهه النصره سازمان نزدیک به القاعده، ارتش آزاد سوریه، جبهه اسلامی سوری و نیروهای امنیتی در مناطق کردنشین هم متهم به استفاده نظامی از کودکان شده‌اند. (۴۳) همچنین، بنا بر گزارش روزنامه واشینگتن پست، نیروهای داعش ساکنان چند روستای ترکمن نشین در عراق را قتل عام کرده‌اند که در بین آن‌ها دو دختر خردسال هم وجود دارد. بنا بر گزارش یک پلیس محلی، تعداد مقتولان ۵۵ تن اعلام شده است. ده‌ها تن دیگر هم مفقودالاثر شده‌اند.^{۱۴}

۵. شکنجه

به موجب کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره شکنجه، هر دولت عضو هر کسی را که متهم به ارتکاب شکنجه است و در قلمرو او یافت شود، در صورتی که نخواهد وی را مسترد کند باید در دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کند. نکته قابل ذکر اینکه کشورهایی که به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته‌اند، بدون آنکه ملزم باشند می‌توانند با استناد به حقوق بی‌الملل عرفی صلاحیت جهانی خود را در خصوص شکنجه اعمال کنند.

گفتار سوم: با استفاده از ظرفیت تروریسم

در جهان کنونی ۷ کنوانسیون بین‌المللی منطقه‌ای مقابله با تروریسم، که موضوع آن مقابله با تروریسم است، وجود دارد. همچنین، ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی جهانی (که اختصاص به منطقه خاصی ندارد) نیز وجود دارد. فهرست کنوانسیون‌های موجود عبارت است از:

- کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم^{۱۵}
- کنوانسیون عربی مقابله با تروریسم^{۱۶}
- کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم^{۱۷}
- کنوانسیون منع و مجازات اعمال تروریستی، که به شکل جرایم علیه اشخاص و تصرف اموال آن‌ها ارتکاب می‌یابد و اهمیت بین‌المللی دارد.^{۱۸}

۱. مهدوی ثابت، محمدعلی: ۱۳۸۵، جزوه «درس حقوق جزای بین‌الملل»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ص ۲۹

2. convention of the organisation of the islamic conference
3. The arab convention for the suppression of terrorism
4. European convention on the suppression of terrorism.
5. convention to prevent and punish the acts of terrorism taking the form of crimes against persons and related extortion that are of international significance

-کنوانسیون منع و مقابله با تروریسم^۱

-کنوانسیون منطقه SAARC در خصوصی مقابله با تروریسم^۲

-معاهده همکاری بین کشورهای مستقل مشترک المنافع در خصوص مقابله با تروریسم^۳

مطابق بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی:

تروریسم به هر گونه عمل خشونت آمیز یا تهدیدکننده اطلاق می شود که علی رغم مقاصد یا انگیزه اش به منظور اجرای برنامه مجرمانه فردی یا گروهی با هدف ایجاد رعب بین مردم با تهدید به آسیب رساندن یا به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی ها، امنیت یا حقوق آن ها یا به خطر انداختن محیط زیست یا هر گونه تأسیسات یا اموال عمومی یا خصوصی یا تصرف آن ها یا به خطر انداختن منابع ملی یا تأسیسات بین المللی یا تهدید کردن ثبات یا تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام می گیرد.^۴

دو معیار برای شناسایی یک گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بین الملل وجود دارد: معیار اول اهداف است؛ یعنی اهداف یک گروه اگر برخلاف حقوق بین الملل باشد می تواند گروه را تروریستی جلوه دهد؛ دیگری فعالیت های گروه است. داعش بر مبنای هر دو معیار تروریستی محسوب می شود و بر همین اساس لازم است سریع تر دولت عراق و سایر دولت ها پی گیری کنند که در شورای امنیت سازمان ملل نام داعش در فهرست سازمان های تروریستی درج شود تا آثار حقوقی مختلف بر عمل کرد این گروه و حامیان آن بار شود.

گفتار چهارم: با استفاده از ظرفیت شورای امنیت

شورای امنیت می تواند بر اساس اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی لازم است دست بزند. در واقع در چارچوب منشور، شورای امنیت، آن را به عنوان نقض صلح، تهدید صلح و تجاوز معرفی کند؛ آن گاه می تواند قطع نامه صادر کند و اجازه توسل به زور را به اعضای خود بدهد. مثل تجاوز عراق به کویت در ۱۹۹۱ که شورای امنیت سازمان ملل به همه دولت ها اجازه داد با توسل به زور جلوی تجاوز عراق به کویت را بگیرند و آمریکا هم در چارچوب قطعنامه ۶۷۸ وارد عمل شد. تنها اقدام شورا در این زمینه، تنظیم یک بیانیه مطبوعاتی از سوی رئیس دوره ای شورای امنیت است؛ بیانیه ای مختصر و بی رمق که در ۱۱ ژوئن به وسیله ویتالی چورکین، رئیس دوره ای شورا به صورت مطبوعاتی ارائه شده است. این بیانیه، در میان اسنادی که شورا منتشر می کند، پایین ترین درجه اهمیت را دارد و فاقد اعتبار حقوقی است.^۵ با این حال، شورا در این موارد کوشیده است

1. Oau convention on prevention and combating of terrorism

2. SAARC regional convention on suppression of terrorism

3. Treaty on cooperation among states members of the commonwealth of independence states in combating terrorism

۴. مهدوی ثابت، پیشین، ص ۲۷

۵. مهدوی فرمانیان؛ (۱۳۹۳)، پیشین، ص ۱۹

با واکنش مطبوعاتی به یک سلسله پدیده های بین المللی، خود را از اتهام «عدم رسیدگی» یا «چشم پوشیدن بر تحولات» مبرا کند. در این تحلیل، به اهم موارد و مفاهیم این بیانیه اشاره می شود:

۱- شناسایی ماهیت تروریستی داعش؛ شورا در این بیانیه بلافاصله با این عبارت آغاز می کند که دولت اسلامی عراق و شام، یک سازمان تروریستی است. این توصیف از داعش به معنای تکمیل اقداماتی خواهد بود که در سطح ملی و به وسیله برخی کشورها در خصوص قرار دادن نام داعش در گروه های تروریستی به عمل آمده است.

۲- اقدامات داعش در عراق، ماهیت تروریستی دارند. از این رو در چارچوب موازین و هنجارهای مرتبط با «راهبرد جهانی ضد تروریسم» قابل تعقیب، پی گیری و واکنش هستند. در این زمینه، البته که دولت عراق می تواند حقوق و راهبردهای ملی خود علیه تروریسم را در ابعاد مختلف اعمال و اجرا کند. با این حال، عراق بعد از اشغال، هنوز قادر به ایجاد یک حقوق قوی ضد تروریستی نبود و ضعف های فراوانی داشت و فاقد ساختارهای هنجاری، ظرفیت پی گیری و اقدام ضد تروریستی است.

۳- این بیانیه از موارد متعددی از جنایات داعش نام برده است، از جمله: کشتار غیرنظامیان و نیروهای پلیس، آواره کردن صدها هزار نفر از سکنه عراق، ناپدید شدن گسترده مردم، گروگان گیری مأموران کنسولی و سیاسی دولت های خارجی. با این حال، هیچ یک از موارد فوق را تحت عنوان «جنایت بین المللی» نشمرده است و فقط به عنوان «حمله تروریستی یا اقدام تروریستی» تلقی کرده است.

۴- شورا در کل، بار مسئولیت مقابله با داعش را بر دولت مرکزی قرار داده است و از همکاری ساختارهای سیاسی داخل عراق، از جمله حکومت اقلیم برای حفظ وحدت سیاسی و مقابله با تروریسم، استقبال کرده است. در نتیجه، هیچ گونه همکاری بین المللی خاصی را در مقابله با داعش مد نظر قرار نداده است.

۵- نگرانی شورا عمدتاً معطوف به تمامیت ارضی عراق است و از اینکه اقدامات داعش سبب ایراد صدمه بر وحدت سرزمینی عراق شود، نگرانی خود را ابراز داشته است. این امر می تواند واکنش به آن چیزی باشد که تحت عنوان طرح تجزیه عراق در محافل تحلیلی مد نظر قرار گرفته و مطرح شده است.

۶- شورا برای ایجاد امنیت در عراق، دو تعهد ویژه را به دولت ها یادآوری می کند: تعهد به تضمین اتخاذ تدابیر در مقابله با تروریسم با رعایت موازین بین المللی؛ تعهد به اعمال تحریم های هدفمند علیه گروه های تروریستی در سه محور تحریم مالی، تحریم تسلیحاتی و تحریم مسافرت و جابه جایی داعش و اعضای آن!

مبحث پنجم: وظیفه جامعه جهانی در قبال جنایات تکفیریان

گفتار اول: مداخله نظامی دیگر کشورها

عمده بحث‌هایی که در حقوق بین‌الملل سنتی وجود دارد درباره مداخله کشورها در خاک و قلمرو یکدیگر است. در خصوص شورش‌های داخلی یا اقداماتی که درون یک کشور صورت می‌گیرد معمولاً حقوق بین‌الملل مداخله‌ای نمی‌کند، یا بهتر است بگوییم رویه‌های روشنی ندارد. مشخص نیست این اقدامات را چگونه تعریف می‌کند. گاه آن‌ها را اقدامات تروریستی می‌داند، گاه شورش، و گاه اعتراض‌های مردمی. این موضوع از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه بررسی شود که چنانچه افرادی در یک کشور مرتکب جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت شدند آیا کشورها می‌توانند بدون درخواست کمک از کشور درگیر، رأساً وارد عمل شوند و مرتکب یا مرتکبان را تعقیب یا مجازات کنند؟ پرسش دوم اینکه اگر کشور درگیر نیاز به کمک داشته باشد آیا کشورها می‌توانند در خاک کشور درخواست کننده اقدام نظامی انجام دهند یا خیر؟ بنا بر قوانین بین‌المللی، اگر کشور عراق از کشورهای دیگر درخواست مداخله نظامی داشته باشد مشکلی از لحاظ حقوق بین‌الملل به وجود نمی‌آید، اما باید بررسی کرد که کشور عراق در چارچوب قانون اساسی در مورد درخواست کمک نظامی از سایر کشورها چه وضعیتی دارد. همچنین وضعیت پارلمان هم باید بررسی شود که آیا برای این مداخله نظامی نیازی به تصویب پارلمان وجود دارد یا نه. معمولاً در قانون اساسی این موارد پیش بینی شده است. اگر تکلیف این مسائل قانونی تعیین شود از نظر قوانین بین‌المللی بعد از درخواست دولت عراق منعی برای مداخله وجود ندارد.^۱

گفتار دوم: پرداخت خسارت از سوی کشورهای تأییدکننده اقدامات تروریست‌ها

چنانچه شورشیان به عنوان طرف مخاصمه به رسمیت شناخته شوند، این مسئله موجب تبدیل شدن درگیری به یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی می‌شود که می‌تواند حقوق بشردوستانه کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل دوم (در صورت عضویت) را بر آن جاری کند. همچنین این وضعیت موجب ایجاد وضعیت بی‌طرفی برای دولت‌های دیگر می‌شود. به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان نماینده مشروع مردم (مانند به رسمیت شناختن دولت انتقالی لیبی از سوی اکثر کشورها) فقط می‌تواند کمک مالی به آن‌ها را توجیه کند (در عرفی بودن این حق تردید وجود دارد) و نمی‌تواند به کمک نظامی منجر شود؛ چرا که در این حالت دولت مرکزی همچنان به رسمیت شناخته می‌شود و چنین مداخله‌ای مداخله در امور داخلی خواهد بود.^۲ اما به رسمیت شناختن به عنوان حکومت می‌تواند کمک نظامی را میسر کند؛ چرا که در این حالت از نظر دولتی که به رسمیت شناخته است جای دولت مرکزی و شورشیان عوض شده است و دولت مرکزی دیگر به رسمیت شناخته نشده است. در این حالت، مفهوم مداخله در امور داخلی متحول می‌شود و حقوق و

۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی ساختار و تشکیلات گروه‌های تروریستی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۱۱

۲. فرمانیان، پیشین، ص ۲۸

تکالیف حکومت برای طرفین از قبیل امکان انعقاد معاهده و مصونیت نمایندگان و اموال آنها و البته مسئولیت بین المللی آنها در قبال یکدیگر به وجود می آید.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن یافته های این پایان نامه نتایج ذیل به دست آمد:

تکفیر، ریشه افراطی گری دینی دارد و از زمان های قدیم در حکومت های مذهبی به دلیل تعصبات مردم جاهل، دارای ریشه های محکمی شده است. در تاریخ اسلام با مشاهده حکومت های اسلامی، با تشکیل حکومت های سنی مذهب و در دست گرفتن قدرت، متأسفانه با تفسیرهای سطحی از دین بسیاری از مخالفان خود را در قالب عمل به احکام اسلامی، گردن زده که این عمل به عنوان حق دفاع مشروع برای مخالفان و برخی از شیعیان (شیعیان دارای فرقه های مختلفی هستند) باقی می ماند. آنچه در این تحقیق بدان اشاره شد، ریشه تکفیر را می تواند افراطی گری اسلامی و تفسیر سطحی معارف دینی دانست که با بررسی آیات قرآنی و فقه عامه و شیعه، تکفیر بدان معنایی که امروز به صورت رعب آوری در قالب حکم مقدس جهاد استفاده می شود، وجود ندارد. بلکه آیات و روایات نقلی از شیعه و سنی همگی تأکید بر این دارد که مرز کفر و دین و خروج از دین، نمی تواند اقرار زبانی باشد به عبارت دیگر مسلمانان پس از گفتن شهادتین مسلمان هستند ولی در صورتیکه به برخی از اصول قابل احترام در نزد مذاهب اعم از شیعه و اهل سنت احترام نگذارند می توانند فاسق باشند. همانگونه که بیان شد، فرد فاسق؛ خارج از دین تلقی نمی گردد بلکه در درجات پاداش نزد خداوند متعال، دارای اجر کمتری است.

شواهد نشان می دهد که کشورهای غربی، نه تنها برای نابودی گروه های تکفیری و تندرو تلاش نمی کنند، بلکه به شیوه های مختلف از آنان حمایت می کنند. چنان که بر اساس برخی گزارش ها، حمایت آمریکا و بعضی از کشورهای عربی از گروه های تکفیری، مانند لشکر جهنگوی و غیره، تا اندازه ای است که برخی منابع غربی از شماری از کشورهای عربی با عنوان «عابربانک تروریست ها» یاد کرده اند و جالب آنکه وزارت خارجه آمریکا، حمایت مالی این کشورها از تروریسم، مانند طالبان و لشکر طیبه در پاکستان را به رسمیت می شناسد.

با عنایت به مطالب فوق و مندرج در این تحقیق، درنهایت می توان به این نتیجه گیری رسید که دولت های حامی تروریسم (عربی، غربی) بسته به نوع حمایت خود از گروه های تکفیری (که در عداد تروریسم قرار می گیرند) و متناسب با ایفاء نقش مستقیم (اعزام و تقویت نیروی انسانی و تجهیزات جنگی...) و غیر مستقیم (در اختیار گذاشتن مرزهای هوایی و زمینی، کمک های مالی...) در برابر جامعه بین الملل بخاطر هجوم، تعرض، کشتار (خصوصاً مردم بی گناه از زن و کودک، مجروحین و...)، از بین بردن زیر ساخت ها (از جمله بیمارستانها، پل ها، مخازن آب، نیروگاههای برق و...) و سایر جنایات دیگر، نه تنها مسئول و دارای ضمان هستند و بلکه بایستی ضمن اینکه عذر خواهی می نمایند نسبت به جبرات تمام صدمات و

آسیبهایی که به مردم و زیر ساخت ها (از حیث مادی و روانی) وارد آورده اند، جبران نمایند؛ نکته مهمتر اینکه سران دولت های حامی از تروریسم تکفیری و آنانی که با اذن ایشان وارد صحنهی کار زار برعلیه مردم و دولت های قانونی شده اند از تعقیب قضایی و قانونی مراجع ذیصلاح داخلی و البته بین المللی مصون نمی باشند، و مطمئناً بلحاظ نقض آشکار قواعد ماهوی حقوق بین الملل جنایتکار شناخته شده و حسب نوع حمایت و همراهی آنان با تروریسم تکفیری در مقام شریک و یا معاونت در جرم وجنایات تکفیرها در محاکم صالحه قابلیت تعقیب و مجازات دارند.

فهرست منابع و مآخذ

- اردبیلی؛ محمد علی: ۱۳۸۰، مفهوم تروریسم « تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی ها، همایش پنجم و ششم، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- اشمید، الکس، ۱۳۸۰، سرزمین های بحران زده: جایی که تبهکاران پادشاه اند، مجله: پیام یونسکو « خرداد ۱۳۸۰، سال سی و یکم - شماره ۳۶۹
- الکس پ. اشمید، الإرهاب والجريمة.
- بهارلو، اکبر (۱۳۸۰) کنکاشی در مبانی و تعاریف ترور و تروریسم، مجله پگاه حوزه، مهرماه، شماره ۲۳
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران، انتشارات سوره مهر، ص ۱۳
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص ۱۵۰.
- حامی، نصرت الله (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل عرفی در مورد تابعیت مضاعف، مجله حقوقی، شماره ۳.
- حمید رضا اسماعیلی، القاعده از پندار تا پدیدار، ص ۵۸-۵۹.
- ره بیگ؛ سیامک: ۱۳۹۰: «تحلیل تروریسم در نسبت مفهومی امنیت و منافع ملی»، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجموعه مقالات، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- شاه کرمی، نیما؛ خزدرو، سمیه (۱۳۹۳)، حقوق بشر و جریان های تکفیری، دانشکده حقوق، دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه علوم انتظامی امین،
- شریفی، محسن: ۱۳۸۵، « فقر: تهدید امنیت بین المللی در قرن ۲۱»، فصل نامه راهبرد، ش ۳۹.
- صالحی نیا؛ سعید: ۲۰۱۲، خطر پیشبرد سناریوهای دولت سازی و وظایف چپ، انتشارات راستین، تهران، چاپ اول.
- ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۳) مسوولیت دولت های حامی جریان تکفیری از منظر حقوق بین الملل، جزوه درسی، دانشکده حقوق، تارنمای دانشگاه قم
- عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، فهم تروریسم، مجله امنیت، بهار، شماره ۳
- عبداللهی، محسن و فاطمه کیهانلو، (۱۳۸۴) سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل، معاونت پژوهش، تدوین. تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول
- عبدالقیوم فدوی، اسامه بن لادن و ماجراها،
- عبید حسنین، الجريمة الدولية دراسة تحليلية تطبيقية،
- فرمانیان، مهدی؛ (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات کنگره جهانی «جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول
- قانون مقابله با تروریسم، شماره ۱۳، مصوب ۲۰۰۵

– کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۷جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (عليهم السلام)، قم، ایران، چاپ: ۱.

– محمدی، داود (۱۳۷۵) تروریست های ضد تروریسم، روزنامه سلام، ۲۱ مهرماه
– مهدی بخشی، شیخ احمد (۱۳۸۹)، « بررسی و عوامل اندیشه ای و عینی شکل گیری القاعده»، پایان نامه کارشناسی ارشد.

– مهدوی ثابت، محمدعلی: ۱۳۸۵، جزوه «درس حقوق جزای بین الملل»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق
– منصور میراحمدی، «مقایسه ویژگی های معرفت شناختی جریان های فکری سیاسی معاصر در جهان اسلام»، فصل نامه رهیافت سیاسی و بین المللی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵.

– نصیری دامغانی، عباس (۱۳۹۳). جریان شناسی سلفی تکفیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

___ A memory of solferino (Geneva; International committee of red cross;1986)

___ Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949.

___ Jean - Marie Henckarets and Louise Doswald - Beck. 2005. Customary International Humanitarian Law. London. CambridgeUniversity Press. , 2005: 510

___ Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II), 8 June 1977

___ The Geneva convention for Amelioration of the condition the Wounded in Armies in the Field (adopted 22 Agust 1864; entered into force 22 june 1865)

___ The Prosecutor v. Duško Tadic, Case No.: IT-94-1-T, Trial Chamber II, 14 July 1997.

___ Kalshoven, First. 2007. Reflection on the Law of War, Martnus Nijhof Publishers2007: 61

___ United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169

___ United Nations: Security Council/ Resolution 2169/ 30 July 2014)Adopted by the Security Council at its 7230th meeting, on 30 July 2014) S/RES/2169 .

___ Wolfgang Bendek Alice Yotopoulos- marang opoulos, European Training Research Center for Human Rights and Democracy, 2004 .